

اسامی، القاب و کنیه های حضرت زهرا (س)

نام گذاری حضرت زهرا (س)

«تسمیتها من عند ربّ العزه، شأن أبیها و بعلها و بنیها».

نام گذاری حضرت زهرا (س) از طرف خداوند متعال می باشد، همانند اسم گذاری حضرت محمد (ص) و علی و حسن و حسین (ع) و همین مطلب دلالت دارد بر اینکه این پنج نفر - در برابر پروردگار - از خود هیچگونه اختیاری ندارند و تمام امورشان حتی انتخاب نامشان، مربوط به خدای متعال بوده و به کسی در مورد آنان اجازه دخالت داده نشده است.

حضرت محمد بن عبدالله (ص) هرگز مجاز نیستند که از جانب خود فاطمه و حسن و حسین (ع) را نام گذاری کنند. همچنین در اسم گذاری علی بن ابی طالب (ع) که مولود کعبه و خانه زاد خدا هستند، پیامبر گرامی (ص) و ابوطالب (ع) را اختیاری نیست.

اسامی حضرت زهرا (س)

اشاره

قال الصادق (ع):

«لفاطمه تسعه أسماء عند الله عزّ و جلّ:

فاطمه و الصدیقه و المبارکه و الطاهره و الزکیه و الراضیه و المرضیه و المحدثه و الزهراء

ثم قال: ...

حضرت فاطمه زهراء (س) در پیشگاه خداوند نه اسم مخصوص دارد:

فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهراء.» (۶۱)

حضرت فاطمه زهرا (س) یک نام رسمی داشتند که همان «فاطمه» می باشد. این نام را پیامبر اکرم (ص) هنگام تولد به امر خداوند برای دخترشان برگزید؛ لکن به تصریح امام صادق (ع)، فاطمه زهرا (س) نه اسم مخصوص، در پیشگاه خداوند متعال دارند، لذا یکی از کنیه های آن حضرت «أمّ الأسماء» است؛ یعنی بانویی که اسامی فراوان دارد. و این مطلب، دلالت بر عظمت روحی صدیقه کبری (س) می کند، زیرا حضرت فاطمه (س) نمونه بودند. زن نمونه؛ یعنی انسانی کامل که برای بشریت الگو و سرمشق باشد، لذا همه صفات عالی انسانی در صدیقه طاهره (س) جمع بود و ایشان در برابر هر صفت نیک، دارای لقبی خاص هستند. این نه نام از شهرت والایی برخوردار است.

## ۱ - فاطمه (س)

اشاره

فَطِمَ - فِطَامًا فِطْمًا الْوَلَدَ: فصله عن الرضاع.

در لغت وقتی طفل از شیر گرفته می شود، می گویند:

فَطِمَ الْوَلَدَ.

«فاطمه وصفی است از مصدر فَطِمَ. و فَطِمَ در لغت عرب به معنی بریدن، قطع کردن و جدا شدن آمده است.

این صیغه که بر وزن فاعل معنی مفعولی می دهد، به معنی بریده و جدا شده است.

فاطمه (س) از چه چیز جدا شده است؟» (۶۲)

در روایات بسیاری به وجه تسمیه آن حضرت به «فاطمه» اشاره شده است.

فاطمه از جهل و پلیدی جدا شده است:

عن الباقر (ع) قال:

... ثم قال الله عزَّوجلَّ:

«إني فطمتك بالعلم و فطمتك عن الطَّمَت.

ثم قال أبو جعفر (ع):

والله لقد فطمها الله تبارك و تعالی بالعلم و عن الطَّمَت بالميثاق.»

امام باقر (ع) فرمودند:

خداوند فاطمه زهراء (س) را از جهل و پلیدی جدا نموده است، لذا «فاطمه» نام گرفته است.

ایشان سپس ادامه دادند:

به خدا قسم، خداوند در عالم پیمان و عهد (یعنی عالم ذر) فاطمه (س) را از جهل و پلیدی جدا کرده است.» (۶۳)

فاطمه (س) از شرّ به دور است.

قال الصادق (ع):

«أندرون أي شيء تفسير «فاطمه»؟

قلت:

أخبرني يا سيدي!

قال (ع):

فطمت من الشر. ثم قال:

لولا أن اميرالمؤمنين (ع) تزوجها لما كان لها كفو إلى يوم القيامة على وجه الأرض آدم فمن دونه»

امام صادق (ع) فرمودند:

می‌دانید تفسیر فاطمه چیست و فاطمه چه معنایی دارد؟

عرضه داشتیم:

مرا آگاه بنما چه معنایی دارد.

فرمودند:

«فاطمه» از شر و بدی جدا گردیده است.

سپس فرمودند:

اگر امیرالمؤمنین (ع) با حضرت زهرا (س) ازدواج نمی‌کرد، هیچ‌کس همتای زهرا (س) نبود، از زمان حضرت آدم تا

روز قیامت کفو و همتایی برای زهرا (س) یافت نمی‌شد.» (۶۴)

فاطمه (س) و دوستانش از آتش باز گرفته شده‌اند.

ولی شیرین‌ترین تفسیر از علت نامگذاری فاطمه‌ی زهرا (س) روایاتی است که می‌گوید فاطمه زهراء (س) «فاطمه»

نامیده شد، زیرا شیعیان آن حضرت، از آتش جهنم باز گرفته شده‌اند.

عن الرضا عن آبائه (س) قال رسول الله (ص):

«یا فاطمه!

أندرين لم سميت «فاطمه»؟

قال علی (ع):

لِمَ سَمَّيْتُ؟

قال:

لأنها فطمت هي و شيعتها من النار»

امام رضا (ع) از اجدادش نقل می‌فرماید:

پیامبر (ص) فرمود:

ای فاطمه (س)!

آیا می‌دانی که چرا «فاطمه» نام گرفتی؟

امیرالمؤمنین (ع) عرضه می‌دارند:

شما بفرمایید چرا فاطمه، «فاطمه» نامیده شده است.

پیامبر (ص) فرمودند:

زیرا «فاطمه (س)» و شیعیان فاطمه (س) از آتش جهنم باز گرفته شده‌اند و به آتش نخواهند رفت.» (۶۵)

پیمان خدا، بر آزادی دوستداران فاطمه زهرا (س)

عن محمد بن مسلم قال:

سمعت أبا جعفر (ع) يقول:

«لِفاطمه (س) وقفه علی باب جهنم فإذا كان يوم القيامة، كتب بين عيني كل رجل مؤمن أو كافر. فيؤمر بمحبّ قد كثر ذنوبه إلى النار. فتقرء بين عينيه محباً. فتقول:

إلهی و سیدی سمیتنی فاطمه و فطمت بی من تولانی و تولی ذریتی من النار و وعدک الحق و أنت لاتخلف الميعاد. فيقول الله عز و جل: صدقت یا فاطمه انی سمیتک «فاطمه» و فطمت بک من أحبک و تولاک و أحبّ ذریتک و تولاهم من النار و وعدی الحق و أنا لا أخلف الميعاد و إنّما امرت بعبدی هذا إلى النار لتشفعی فيه فاشفعک لیتبین لملائکتی و أنبیائی و رسلی و أهل الموقف موقفک منی و مکانتک عندی فمن قرأت بین عینیه مؤمناً فجذبت بیده و أدخلته الجنة.

از محمد بن مسلم روایت است که امام باقر (ع) فرمودند:

در روز قیامت حضرت فاطمه (س) بر در جهنم توقّفی دارند. روی پیشانی هر کس نوشته شده است که مؤمن است یا کافر. در این هنگام

به یکی از دوستان خطاکار حضرت فاطمه (س)، فرمان می‌دهند به طرف جهنم برو. فاطمه‌ی زهراء (س) روی پیشانی او را می‌خواند:

(بر روی پیشانی او نوشته شده است) «دوستدار زهراء».

«فاطمه‌ی زهراء (س) به درگاه خداوند عرضه می‌دارد:

خدایا! پروردگارا!

نام مرا «فاطمه» نهادی و فرمودی:

«به خاطر تو، دوستدارانت و دوستداران فرزندان را از آتش جهنم رهایی می‌بخشم.» وعده‌ی تو همیشه حق بوده و هیچگاه خلاف وعده‌ی خود عمل نکرده‌ای»

«خداوند متعال می‌فرماید:

فاطمه جان!

چنین است که می‌گویی. من تو را فاطمه نام نهادم و هر کس که تو را دوست بدارد، یا فرزندان تو را دوست بدارد، او را از آتش جهنم رهایی می‌بخشم، وعده من راست است و من خلاف وعده خود عمل نمی‌کنم. من این بنده‌ام را به طرف جهنم فرستادم تا تو او را شفاعت کنی و فرشتگان و پیامبران من و هر کس در محشر است مقام تو را پیش من ببینند. هر کس را که مؤمن و (محب) یافتی دستش را بگیر و داخل بهشت نما.» (۶۶)

خلایق از معرفت فاطمه (س) عاجزند.

قال الصادق (ع):

«إنا أنزلناه في ليلة القدر، الليلة فاطمه و القدرُ الله. فمن عرف فاطمه حق معرفتها، فقد أدرك ليلة القدر و إنما سميت «فاطمه» لأن الخلق فطموا عن معرفتها»

امام صادق (ع) درباره آیه کریمه‌ی

إنا أنزلناه في ليلة القدر فرمودند:

مراد از «لیله» فاطمه (س) است.

مراد از «قدر» خداوند است، پس هر کس مادرم فاطمه زهرا (س) را آن گونه که باید، بشناسد، شب قدر را درک کرده است.

مادرم «فاطمه» نامیده شد، زیرا خلایق از معرفت او عاجزند.» (۶۷)

فاطمه (س) مشتق از فاطر است

قال النبي (ص) لفاطمه (س).

«شق الله لك يا فاطمه!

إسماً من أسمائه، فهو «الفاطر» و أنت «فاطمه.»

پیامبر اکرم (ص) به حضرت فاطمه (س) فرمودند:

ای فاطمه‌ی من!

خداوند برای تو اسمی از اسمای خود برگرفته است.

خداوند «فاطر» است و نام تو را «فاطمه» گذاشته است. (۶۸)

نام فاطمه (س) برگرفته از نام خداوند

«هذه «فاطمه» و أنا فاطر السماوات و الأرضین فاطم، أعدائی عن رحمتی یوم فصل قضائی و فاطم أولیائی عمّا یعتریهم و یشینهم فشققت لها إسماً من إسمی»

من فاطر زمین و آسمان هستم (یعنی خالق آسمان و زمین هستم). و در روز قیامت دشمنان خود را از رحمتم محروم می‌گردانم و اولیای خود را، از هر چه آنها را می‌آزارد و ناپسند دارند، جدا نموده‌ام، پس نام «فاطمه» (س) را از نام خود مشتق نمودم». (۶۹)

## ۲ - صدیقه

اشاره

صَدَقَ، صَدَقًا، مَصْدُوقَهً، تصدیقا و تصدًا، ضَدَّ كَذِبًا،

صادقه: مُخلصه،

صدیقه: الخَلَّ الحیب،

الصدیق: الكثير الصدق، مرد بسیار راست و درست. الكامل فی الصدق، الذی یصدق قوله بالعمل، آنکه گفتار و کردارش مطابقت بر درستی کند. البار الدائم التصدیق،

به زنی صدیقه گویند که بسیار راستگو باشد. زنی که هم در عمل، هم در گفتار و هم در اعتقادات و ایمان صادق باشد.

صدیقه (س) همسر امیرالمؤمنین (ع)

عن رسول الله (ص) قال لعلی (ع):

«اتیت ثلاثاً لم اوتهن أحد و لا انا: اوتیت صهرا مثلی و لم اوت مثلی. اوتیت زوجة «صدیقه» مثل ابنتی و لم اوت مثلها زوجة. و اوتیت الحسن و الحسین من صلبک و لم اوت من صلبی مثلهما. ولكنکم منی و أنا منکم»

پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

سه چیز به تو عنایت شده که به هیچکس، حتی خود من هم، چنین عنایتی نشده است.

پدر خانمی مثل من داری، اما من ندارم. زنی «صدیقه» چون دخترم فاطمه زهرا (س) داری، اما من چنین همسری ندارم. پسرانی چون حسن و حسین (ع) داری که من پسرانی مثل آنها ندارم، البته همه شما از من هستید، من هم از شما هستم. (۷۰)

قالت عائشه:

«ما رأيت أحداً قطّ «أصدق» من فاطمه غير أبيها»

عائشه گوید:

کسی را راستگوتر از فاطمه (س)، غیر از پدرش ندیدم.» (۷۱)

صدیقه را فقط صدیق غسل می دهد

عن مفضل بن عمر قال:

قلت لأبي عبدالله (ع):

«من غسل فاطمه (س)؟»

قال:

ذاك أمير المؤمنين (ع). فكأنما إستفظعت ذلك من قوله.

فقال لي:

كأنك ضقت مما أخبرتك.

فقلت:

قد كان ذلك. جعلت فداك.

فقال:

لاتضيقن فإنها «صدیقه» لم يكن يغسلها إلا صدیق. أما علمت أن مريم لم يغسلها إلا عيسى»

مفضل از امام صادق (ع) سؤال می کند:

چه کسی حضرت فاطمه (س) را غسل داد؟

امام صادق (ع) فرمودند:

امیرالمؤمنین (ع) فاطمه‌ی زهرا (س) را غسل دادند. این مطلب قدری برای من سنگین به نظر رسید. امام (ع)

فرمودند:

مثل اینکه از این خبر در تعجبی؟!!

گفتم:

فدایت کردم بله همین طور است.

فرمود:

این مطلب برایت هیچ سنگین نباشد، زیرا زهرا (س) «صدیقه» است و صدیقه را فقط صدیق غسل می‌دهد. مگر نمی‌دانی حضرت مریم (س) را که صدیقه بود کسی جز حضرت عیسی (ع) غسل نداد؟»

«صدیقه» زنی که شناخته نشد

عن ابی عبدالله (ع) قال:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَّهْرُ فَاطِمَةَ (س) رُبْعَ الدُّنْيَا فَرَبَعَهَا لَهَا وَ أَمَّهْرُهَا الْجَنَّةُ وَ النَّارُ تَدْخُلُ أَعْدَاءُهَا النَّارَ وَ تَدْخُلُ أَوْلِيَاءُهَا الْجَنَّةَ وَ هِيَ «الصَّدِيقَةُ» الْكُبْرَى وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتُهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى»

امام صادق (ع) فرمودند:

خداوند یک چهارم دنیا را مهر فاطمه (س) قرار داده است.

بهشت و جهنم را نیز مهریه او قرار داده است، دشمنانش را در جهنم و دوستانش را در بهشت وارد می‌کند. فاطمه (س)، «صدیقه کبری است که در شناختن او، همه جهانیان در حیرت هستند.» (۷۳)

فاطمه‌ی زهرا (س) زن راستگو و شهیده

عن ابی الحسن (ع) قال:

«إِنَّ فَاطِمَةَ (س) «صَدِيقَةُ شَهِيدَةٍ»

امام رضا (ع) فرمودند:

فاطمه زهرا (س) زنی «بسیار راستگو» بودند و شهیده از این دنیا رفتند.» (۷۴)

۳ - مبارکه

اشاره

«بَرَكَةٌ: فایده‌ی ثابت قاموس، «برکت» را زیادت، سعادت و «بروک» را ثبوت معنا کرده و گوید:

«بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، یعنی شرف و کرامت آنها را همیشگی کن. در مجمع‌البیان، ذیل آیه ۹۷ از سوره‌ی بقره گفته:



اصل برکت به معنای ثبوت است گویند:

«برک بروکاً»، یعنی ثابت شد، پس برکت به معنای ثبوت فایده است در اثر نمو و رشد. مجمع آب را، «برکه» گویند که آب در آن ثابت است.

در مفردات گوید:

برکت، یعنی ثبوت خیر خدایی در یک چیز و مجمع آب را، برکه گویند. مبارک چیزی است که در آن فایده‌ی ثابت باشد.» (۷۵)

برکه:

در لغت آبگیر را گویند، جایی که آب به مرور زمان در آن جمع می‌شود.

برکه: الزیاده، افزایش و زیادت معنا می‌دهد. برکت، رشد و نمو و زیادتی در یک شیء را گویند.

و راغب گوید برکه به جایی اطلاق می‌گردد که خیری الهی بدون حساب و شمارش نصیب شده باشد. (۷۶)

حضرت زهراء (س) منبع انواع برکات است و مهمترین برکت در وجود فاطمه‌ی زهرا (س) این است که ذریه‌ی پیامبر (ص) از نسل زهراء (س) هستند، در حالی که با مراجعه به تاریخ روشن می‌شود که دشمنان آن حضرت با به وجود آوردن وقایع مختلف، فرزندان فاطمه زهراء (س) را از بین می‌برده‌اند. در واقعه‌ی کربلا فقط یک فرزند برای امام حسین (ع) باقی ماند، آن هم امام زین‌العابدین (ع). و بنابر قولی، هفت فرزند امام حسن مجتبی (ع) و دو فرزند حضرت زینب (س) را

نیز به قتل رساندند. و در این مسیر چه وقایع دردناکی که برای ذریه‌ی فاطمه‌ی زهرا (س) به وجود آوردند و فرزندان زهراء (س) را از دم تیغ گذراندند. با همه‌ی آنچه که گفته شد، لکن از برکت نسل فاطمه زهراء (س)، سادات سر تا سر جهان را نورافشانی می‌کنند. قریب به محال است جایی را بیابیم که یکی از اولاد فاطمه‌ی زهرا (س) در آنجا نباشد. «مبارکه»، دلالت بر برکت در ذریه آن حضرت می‌کند، همچنان که کوثر بر کثرت اولاد حضرت زهراء (س) دلالت دارد.

توصیف فاطمه زهرا (س) در انجیل

عن عبدالله بن سلیمان قال:

«قرأت فی الإنجیل فی وصف النبی (ص) نکاح النساء، ذوالنسل القلیل، إنما نسله من «مبارکه»، لها بیت فی الجنة، لاصخب فیه و لا نصب، یکفلها فی آخر الزمان کما کفل زکریا أمک، لها فرخان مستشهدان»

عبدالله بن سلیمان می‌گوید:

اوصاف پیامبر خاتم (ص):

را در انجیل خواندم که ایشان زیاد نکاح می‌کنند و نسل کمی خواهند داشت و نسل او از «دختری مبارک» به وجود خواهد آمد که برای او خانه‌ای در بهشت آماده گشته است...» (۷۷)

اشاره

طَهْرٌ، طَهْرٌ، طَهْرٌ، طَهْرًا، طَهْرًا و طَهْرَه: ضد نجس،

الطَهْر: نقيض الحيض، پاک گردیده.

طَهْرَتِ الْمَرْأه یعنی حیض زن منقطع شد.

طاهره یعنی زن پاکیزه از نجاست و نقص

معنای ظاهری اسم طاهره این است که حضرت زهرا (س) به خواست خداوند متعال، از خونریزی ماهانه زنان و خونریزی زایمان به دور و پاکیزه بوده‌اند. معنای باطنی نام طاهره این است که فاطمه زهرا (س) از هر گونه آلودگی ظاهری و باطنی به دور بوده و روحی پاکیزه و دور از گناه داشته‌اند.

فاطمه‌ی زهرا (س) از هر آلودگی به دور است

عن ابی جعفر (ع) عن آبائه (ع) قال:

«إِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ (س) بِنْتِ مُحَمَّدٍ «الطَّاهِرَةَ» لَطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رِفْثٍ وَ مَا رَأَتْ قَطُّ يَوْمًا حَمْرَهُ وَ لَا نَفَاسًا»

امام باقر (ع) از پدران خود (ع) نقل فرمودند:

فاطمه‌ی زهرا (س) چون از هر گونه پلیدی و گناه پاک بودند، «طاهره» نامیده شدند. هرگز فاطمه زهرا (س) خون حیض و یا خون نفاس ندیدند.»

آیه تطهیر که در وصف پاکی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نازل شده است، برای همه، آشنا می‌باشد.

«إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

همانا خدا چنین می‌خواهد که رجز و هر آلودگی را از شما خانواده‌ی نبوت (ص) ببرد و شما را از هر عیب، پاک و منزّه گرداند.» (٧٨)

عن ابی سعید الخدری:

«عن النبی (ص) فی قوله تعالی:

«إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

قال:

جمع رسول الله (ص) علیاً و فاطمه و الحسن و الحسين (ع)، ثم أدار علیهم الکساء فقال:

هولاء أهل بیتی، اللهم أذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً و أمّ سلمه علی الباب.

فقال:

يا رسول الله!

ألست منهم؟

فقال:

إنك لعلی خیر (أو إلى خیر)»

خطیب بغدادی در کتاب تاریخ خود می گوید:

أبی سعید خدری درباره آیهی «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیراً» گفت:

پیامبر (ص)، علی و حسن و حسین و فاطمه (ع)

را جمع کردند. سپس بر روی آنها یک عبا قرار دادند و فرمودند:

خدایا!

اینان، اهل بیت من هستند، رجس و پلیدی را از آنها بردار و آنان را پاکیزه گردان.

ام سلمه در این هنگام نزدیک در ایستاده بود عرضه داشت:

یا رسول الله (ص) آیا من هم در بین آنها هستم؟

پیامبر (ص) فرمودند:

«تو در بین ایشان نیستی، اما از نیکان می باشی.» (۷۹)

حدیث کساء، از روایات مشهور است.

این روایت در میان شیعیان از شهرت خاصی برخوردار است.

مفاتیح الجنان را که ورق بزیم به حدیث کساء می رسیم، یعنی حدیث کساء در دل ادعیهی ما جای گرفته است و

کمتر حاجتمندی است که در مواقع اضطرار به حدیث کساء پناه نبرد.

**فاطمه زهرا (س) همیشه پاکیزه بودند**

«عن ابی عبدالله (ع) قال:

حرم الله عز و جل علی علی، النساء ما دامت فاطمه (س) حیة.

قلت:

و کیف؟

قال:

لأنَّها «طاهره» لا تحيض»

امام صادق (ع) فرمودند:

تا فاطمه ی زهراء (س) زنده بودند، ازدواج مجدد بر امیرالمؤمنین (ع) حرام بود.

راوی گوید:

سؤال کردم:

چرا این گونه بود؟

امام (ع) فرمودند:

زیرا حضرت زهراء (س) هیچگاه حیض نمی شد و همیشه «طاهره» بود (80) .»

**فاطمه (س) هرگز خون نفاس ندید**

عن عائشه قالت:

«إذا أقبلت فاطمه، كانت مشيتها مشيه رسول الله (ص) و كانت لا تحيض قط، لأنَّها خلقت من تفاحه الجنة و لقد وضعت الحسن بعد العصر و طهرت من نفاسها، فإغتسلت و صلَّت المغرب...»

عایشه می گوید:

زهرا (س) هیچگاه خون حیض نمی دید، زیرا از سیب بهشتی خلقت یافته بود.

همانگونه که فرشتگان بهشتی خون حیض و نفاس ندارند، فاطمه زهرا (س) نیز همیشه در پاکی به سر می برد. فاطمه (س) امام حسن را بعد از نماز عصر به دنیا آوردند و سپس غسل نمود و نماز مغرب همان روز را به جای آوردند» (81) .

**۵- زکیه**

**اشاره**

زکاء، زكاً و زُكُوًّا، یعنی رشد کرد.

الزَّكِيَّ زَكِيَّة: هرچه پاکیزه و در حال رشد باشد.

زکی الزرع: نما، يقال:

«أرض زکيه»، یعنی زمینی پاک و ثمردهنده.

زکيه: ما كان نامياً طيب، زکيه: ما كان صالحاً، الزائد الخیر و الفضل، الطاهر من الذنب.

زکيه در لغت پاکیزه بودن و رشد و نمو را معنی می دهد. پاکیزه بودن از هر گونه رجس، گناه و یا صفات رذیله، که به تفصیل، در شرح نام «طاهره» آمد.

درباره معنای دوم نیز، در نام مبارک «مبارکه» سخن گفته شد.

**مباهات امیرالمؤمنین بر همسری با فاطمه ی زهرا (س)**

...«أنا زوج البتول، سیده نساء العالمین، فاطمه التقیه «الزکيه» البره المهدیه، حبیبه حبیب الله و خیر بناته و سلالته و ریحانه رسول الله...»

...من شوهر بتول، سرور زنان عالم هستم. فاطمه ای که اهل تقوا، پاکدامنی و نیکوکاریست، او که از طرف خداوند هدایت شده است، دوست، دوست خداست، بهترین دختر و فرزند پیامبر خداست، ریحانه ی پیامبر اکرم (ص) است (82) ...»

...«السلام عليك أيتها الفاضله «الزکيه» ...»

درد بر تو ای زن با فضیلت و ای زنی که از هر آلودگی خود را پاک نموده ای (83) ...»

**۶- راضیه**

**اشاره**

رَضِي، رُضاً، رُضاً، رُضِي، رُضِي، رُضوانا، رُضوانا و مرضاه عنه و عليه: ضد سخط، پسندید و خشنود گشت.

رض، رَضِي، راض، راضِي: المحب.

فاطمه ی زهراء (س) دارای صفت رضا بودند، یعنی هر سختی و مصیبت و رنجی را که خداوند برای ایشان مقدر کرده بود، تحمل می کردند و به آن راضی بودند. ما سراسر زندگی پر برکت فاطمه ی زهرا (س) را مملو از غم می بینیم، اما هیچگاه سخنی از اعتراض و نارضایتی به میان نمی آورند. در تمام این وقایع دردناک، فاطمه (س) به مقدرات خداوند تن در می دهند و کوچکترین اعتراضی ندارند، البته ایشان به بهانه ی تقدیر، دست از مبارزه با غاصبان ولایت و فدک نکشیدند و به وظیفه خود عمل نمودند.

فاطمه ی زهرا (س) بر سختیهای دنیا خرسند بود

عن جابر بن عبدالله قال:

دخل رسول الله (ص) على فاطمه و هي تطحن بالرحى و عليها كساء من حمله الإبل، فلما نظر إليها قال:

يا فاطمه!

تعجلى فتجرعى مراره الدنيا لنعيم الآخرة غداً.

فأنزل الله:

«و لسوف يعطيك ربك فترضى».

جابر بن عبدالله گوید:

پیامبر (ص) وارد منزل فاطمه ی زهرا (س) شدند در حالی که عبایی از پشم شتر بر دوش حضرت فاطمه (س) بود و با دست آسیا می کردند.

پیامبر نگاهی به فاطمه ی زهرا (س) نمودند و فرمودند:

عجله کن و تلخی های دنیا را تحمل کن تا فردا (در بهشت) به نعمتهای آخرتی نائل گردی، چرا که خداوند بر من نازل کرده است که آن قدر پروردگارت به تو می بخشد که تو راضی شوی،

«و لسوف يعطيك ربك فترضى (84)».

۷- مرضیه

اشاره

فاطمه زهرا (س) نه تنها به مقدرات خداوند راضی بودند، بلکه در مقام رضا به حدی رسیده بودند که خداوند نیز از او راضی بودند.

فاطمه (س)، راضیه بود، یعنی در برابر هر سختی ایستادگی می کردند و اعتراضی نداشتند. «مرضیه» بود، یعنی در این مقام به درجه ای رسیده بودند که خداوند نیز اعمال او را تأیید می کرد و از تمامی اعمال او راضی بود.

پس فاطمه زهرا (س) مصداق کامل آیه

«يا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» می باشند.

رضایت فاطمه زهرا (س) به شهادت امام حسین (ع)

عن عبدالرحمن بن المثنى الهاشمى قال:

«قلت لأبى عبدالله (ع):

جعلت فداك من أين جاء لولد الحسين (ع)، الفضل على ولد الحسن (ع) و هما يجريان فى شرع واحد؟

فقال:

لا أراكم تأخذون به، إن جبرئيل (ع) نزل على محمد (ص) و ما ولد الحسين (ع) بعد فقال له:

يولد لك غلام تقتله أمتك من بعدك فقال:

يا جبرئيل!

لا حاجه لى فيه. فخاطبه ثلاثاً ثم دعا عليا (ع) فقال له:

إن جبرئيل يخبرنى عن الله عز و جل أنه يولد لك غلام تقتله أمتك من بعدك فقال:

لا حاجه لى فيه يا رسول الله!

فخاطب عليا (ع) ثلاثاً ثم قال:

إنه يكون فيه و فى و ولده الامامه و الوارثه و الخزانه فأرسل الى فاطمه (س): ان الله يبشرك بغلام تقتله امتى من بعدى فقالت فاطمه:

ليس لى فيه حاجه يا أبه!

فخاطبها ثلاثاً ثم أرسل إليها لابد أن يكون فيه الإمامه و الوارثه و الخزانه.

فقالت له:

رضيت عن الله عز و جل فعلقت و حملت بالحسين (ع) فحملت سته أشهر ثم وضعته و لم يعيش مولود قط لسته أشهر غير الحسين بن على و عيسى بن مريم (س) فكفلته ام سلمه و كان رسول الله (ص) يأتيه فى كل يوم فيضع لسانه فى

فم الحسين فيمصه حتى يروى فأثبت الله عز و جل لحمه من لحم رسول الله (ص) و لم يرضع من فاطمه (س) و لا من غيرها لبناً قط (85). «...»

عبدالرحمن بن المثنی گوید:

به امام صادق (ع) عرض کردم:

فدایتان شوم چرا فرزندان امام حسین (ع) بر فرزندان امام حسن (ع) برتری دارند (فرزندان امام حسین (ع) امام قرار گرفتند اما فرزندان امام حسن چنین نشدند) در حالی که هر دو از یک پدر و مادر هستند.

حضرت صادق (ع) جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت:

خداوند فرزندی به شما خواهد داد که امتت پس از شما او را خواهند کشت.

پیامبر اکرم (ص) به جبرئیل فرمودند:

به چنین فرزندی نیاز ندارم و سه مرتبه این کلام را تکرار فرمودند و سپس امیرالمؤمنین (ع) را در جریان این سخن قرار دادند که جبرئیل از طرف خداوند به ایشان خبر داده است که پسری برای تو به دنیا می آید، امتم بعد از من او را می کشند، حضرت امیر (ع) عرضه داشتند:

ای رسول الله!

چنین فرزندی را نمی خواهم.

سه مرتبه این کلام را به حضرت رسول فرمود و سپس حضرت محمد (ص) افزود:

امامت و وراثت باید از طریق فرزندان همین پسر شهید منتقل گردد پس به دنبال فاطمه (س) فرستاده و به او پیام داد:

خداوند بشارت پسری را می دهد که امتم پس از من او را می کشند فاطمه (س) عرضه داشت:

پدر جان!

به چنین فرزندی احتیاجی ندارم سه مرتبه این سخن تکرار شد، پس از آن پیامبر به فاطمه (س) خبر دادند که امامت و وراثت باید از طریق همین فرزند منتقل گردد. فاطمه زهرا (س) به پدر گفتند:

راضی به رضای خداوند هستم (اگر او چنین

می خواهد من حرفی ندارم) پس فاطمه زهرا به امام حسین (ع) باردار شدند و بعد از شش ماه سیدالشهداء (ع) به دنیا آمدند (هیچ نوزادی شش ماهه، زنده نمانده مگر امام حسین (ع) و حضرت عیسی (ع)) سرپرستی امام حسین را به ام سلمه سپردند.

پیامبر (ص) هر روز می آمدند و زبان مبارکشان را در دهان امام حسین (ع) قرار می دادند و او زبان رسول الله (ص) را می مکیدند و تمام وجود امام حسین (ع)، این گونه رشد کرد.



حَدَّثَ عَنْ فُلَانٍ: رَوَى وَ أورد الحديث،

الحديث: الخبر

نام محدثه دارای دو تلفظ است که هر کدام به طور جداگانه مورد بحث قرار می گیرد.

معنای «محدثه» به فتح دال.

«محدثه» به فتح دال، یعنی زنی که برای او حدیث گفته می شد.

پس از رحلت پیامبر (ص)، ایام بر فاطمه زهرا (س) به سختی می گذشت، لذا جبرئیل به امر خداوند بر آن حضرت نازل می شد و برای آن حضرت از وقایع آینده سخن می گفت. صحیفه فاطمیه، حاصل نزول جبرئیل بر فاطمه زهرا (س) در این مدت است.

فرشتگان با فاطمه زهرا (س) سخن می گفتند

بإسناده عن ابی عبدالله (ع) قال:

«إنما سمیت فاطمه «محدثه» لأن الملائکه کانت تهبط من السماء فتنادیها کما تنادی مریم بنت عمران. فتقول

«یا فاطمه!

ان الله إصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین

یا فاطمه!

اقتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراقعین» فتحدثهم و یحدثونها.

فقالت لهم ذات ليله:

ألیست المفضلہ علی نساء العالمین مریم بنت عمران؟

فقالوا:

إن مریم کانت سیده نساء عالمها و أن الله عز و جل جعلک سیده نساء عالمک و عالمها و سیده نساء الأولین و  
الأخرین.»

امام صادق (ع) فرمودند:

فاطمه (س) را «محدثه» گویند، چون ملائکه از آسمان به پایین می آمدند و همانگونه که ملائکه با حضرت مریم (س) سخن می گفتند، با حضرت زهرا (س) نیز سخن می گفتند. ملائکه به حضرت زهرا (س) گویند:

(حضرت فاطمه (س) با ملائکه سخن می گفت و فرشتگان نیز با آن حضرت سخن می گفتند.)

شبی حضرت فاطمه (س) از فرشتگان سؤال نمود:

آیا برترین زن عالم، حضرت مریم (س) دختر عمران نیست؟

فرشتگان عرضه داشتند:

حضرت مریم (س) سرور زنان زمان خود بود، اما خداوند شما را برترین زن جهان قرار داده است، هم در زمان خودت و هم در زمان حضرت مریم

(س) و سرور همه ی زنان از اول عالم تا آخر جهان (86).

**فاطمه ی زهرا (س) پیامبر نبود بلکه محدثه بود.**

قال محمد بن ابی بکر:

لما قرأ: «و ما أرسلنا من قبلك من رسول و لا نبی و لا محدث»

قلت:

و هل يحدث الملائكة إلاً الأنبياء.

قال:

إنّ مریم لم تكن نبیه و كانت محدثه و أمّ موسی بن عمران كانت محدثه و لم تكن نبیه و ساره إمرأه إبراهیم قد عاينت الملائكة فبشروها بإسحاق و من وراء إسحاق یعقوب و لم تكن نبیه و فاطمه (س) بنت رسول الله (ص) كانت «محدثه» و لم تكن نبیه».

محمد پسر ابوبکر گوید:

وقتی آیه ی «و ما أرسلنا من قبلك من رسول و لا نبی و لا محدث» نازل شد من گفتم:

آیا فرشتگان با غیر از پیامبران نیز سخن می گویند؟

«امام (ع) فرمودند:

حضرت مریم (س) پیامبر نبود ولی «محدثه» بود، یعنی فرشتگان با او سخن می گفتند. مادر موسی نیز محدثه بود، ولی پیامبر نبود.

ساره همسر حضرت ابراهیم (س)، محدثه بود، اما پیامبر نبود.

فرشتگان با او ملاقات نمودند و بشارت اسحاق و یعقوب را به او دادند. و فاطمه زهرا (س) ملائکه را می دید و از آنها حدیث می شنید، اما پیامبر نبود (87)».

اخبار غیبی، در مصحف فاطمه زهرا (س)

عن حماد بن عثمان قال:

«سمعت أبا عبد الله (ع) يقول:

تظهر الزنادقة سنه ثمانيه و عشرين و مائه و ذلك لأني نظرت في «مصحف فاطمه» (س).

قال:

فقلت:

و ما مصحف فاطمه (س)؟

فقال:

إن الله تبارك و تعالی لما قبض نبیه (ص) دخل علی فاطمه (س) من وفاته من الحزن ما لا یعلمه إلا الله عز و جل فأرسل إليها ملكاً یسألها عن غمها و یحدثها. فشکت ذلك إلى أمير المؤمنين (ع).

فقال لها:

إذ أحست بذلك و سمعت الصوت قولي لی. فأعلمته. فجعل یکتب کل ما سمع حتی أثبت من ذلك مصحفاً.

قال:

ثم قال:

أما أنه ليس من الحلال و الحرام ولكن فيه علم

ما یكون».

حماد بن عثمان می گوید:

از امام صادق (ع) شنیدم که فرمودند:

در سال ۱۲۸ ه.ق، زنادقه ظهور خواهند کرد، زیرا من مصحف فاطمه (س) را نگاه کردم و این مطلب را آنجا دیدم.

گفتم:

مصحف فاطمه (س) چیست؟

فرمودند:

وقتی که پیامبر اکرم (ص) رحلت کردند، غم و غصه ی بی حدی که فقط خدا (مقدار آن را) می داند، بر فاطمه زهرا (س) وارد شد. خداوند ملکی فرستاد تا حضرت زهرا (س) را تسلی خاطر دهد و با ایشان سخن بگوید.

حضرت فاطمه (س) از این جریان به امیرالمؤمنین (ع) گلایه کردند.

علی (ع) فرمودند:

هرگاه ملک را دیدی و صدای او را شنیدی مرا خبر کن. زهرا (س)، علی (ع) را از آمدن ملک آگاه ساختند امیرالمؤمنین (ع) آنچه را که می شنید، می نوشت، تا اینکه کتابی از آن مطالب نوشته شد.

سپس امام صادق (ع) فرمودند:

«اما در «مصحف فاطمه (س)» حلال و حرام خدا نیست، بلکه وقایعی که اتفاق خواهد افتاد (تا روز قیامت) همه درون آن است (88)».

**در مصحف فاطمه ی زهرا (س) چیست؟**

إن الصادق (ع) يقول:

«علمنا غابر و مزبور و نکت فی القلوب و نقر فی الأسماع و أن عندنا الجفر الأحمر و الجفر الأبيض و «مصحف فاطمه» (س) و عندنا الجامعه فیها جميع ما تحتاج الناس إليه. فسئل عن تفسير هذا الكلام.

فقال:

أما الغابر، فالعلم بما؛ يكون و أما المزبور فالعلم بما كان و أما النکت فی القلوب فهو الإلهام و أما النقر فی الأسماع فحديث الملائكة نسمع كلامهم و لا نرى أشخاصهم و أما الجفر الأحمر فوعاء فيه سلاح رسول الله (ص) و لن يخرج حتى يقوم قائمنا أهل البيت و أما الجفر الأبيض فوعاء فيه توراه موسى و إنجيل عيسى و زبور داود و كتب الله الاولى

و أمّا مصحف فاطمه (س) ففیه ما یکون من حادث و أسماء من یملک الی أن تقوم الساعه و أمّا الجامعه، فهو کتاب طولہ سبعون ذراعاً، املاء رسول اللہ (ص) من فلق فیہ و خطّ علی بن ابی طالب (ع) بیدہ فیہ واللّٰہ جمیع ما تحتاج الیہ الناس الی یوم القیامہ حتی أن فیہ أرش الخدش و الجلدہ و نصف الجلدہ (89)»

امام صادق (ع) می فرمودند:

ما غابر و مزبور را می دانیم، ما مسائل قلبی و نیات را می دانیم. ما «نقری» که در گوشها می رود را می دانیم.

«جفر قرمز» و «جفر سفید» را می شناسیم. در نزد ما «مصحف فاطمه (س)» است.

در پیش ما «جامعه ای» است که همه چیزهایی که انسان به آن نیاز دارد در آن هست.

سؤال شد:

این کلام یعنی چه؟

امام (ع) فرمودند:

«غابر»، یعنی دانستن آنچه واقع می شود. «مزبور»، یعنی دانستن آنچه قبلاً رخ داده است.

اما «مسائل قلبی و نیات»، اوهام ذهنی دیگران است که ما می دانیم. «نقری» در گوشها، سخن ملائکه می باشد که ما آنها را می شنویم، ولی خودشان را نمی بینیم.

«جفر قرمز» ظرفی است که اسلحه پیامبر (ص) در آن است و آن سلاح تا زمان امام مهدی، قائم اهل بیت (ع) خارج نخواهد شد.

اما «جفر سفید» آن ظرفی است که تورات موسی (ع) و انجیل عیسی (ع) و زبور داوود (ع) و کتاب اولی خداوند در آن است.

اما «مصحف فاطمه (س)»، پس آنچه از حوادث رخ خواهد داد و اسامی پادشاهان تا روز قیامت در آن آمده است.

اما «جامعه» کتابی است که طول آن هفتاد ذرع است (شاید کنایه از کثرت معارف آن کتاب باشد) پیامبر (ص) مطالب آن را فرموده است و حضرت علی (ع) آن را

نوشته اند و به خدا قسم!

در آن تمام آنچه انسان تا روز قیامت نیاز دارد، نوشته شده است، حتی در کتاب جامعه، مقدار خسارت بسیار کم نیز وجود دارد، یک شلاق و نصف شلاق نیز در آن بیان شده است.»

## معنای «محدثه» به کسر دال

«محدثه» به کسر دال، یعنی زنی که برای دیگران نقل حدیث می کند.

ما از حضرت فاطمه ی زهرا (س) روایات زیادی را در دست داریم.

فاطمه ی زهرا (س) به سؤالات زنان مدینه پاسخ می فرمودند و به آنان حدیث می آموختند. فاطمه ی زهرا (س) احادیث زیادی را از پیامبر (ص) و یا حضرت علی (ع) برای ما نقل فرموده اند، لذا ایشان را «محدثه» گویند.

## ۹- زهراء

### اشاره

زهرا، زهورا السراج أو القمر أو الوجه: تلاً، أضاء،

زهراء، مونث أزهرا است، یعنی، النیر، الصافی اللون، المشرق الوجه و القمر.

«زهرا که در تداول بیشتر به جای نام ایشان به کار می رود، در لغت، درخشنده، روشن و مرادفهایی از این گونه، معنی می دهد. و این لقب از هر جهت برازنده این بانو است.

او چهره درخشان زن مسلمان، فروغ تابان معرفت و نمونه روشن پرهیزکاری و خداپرستی است.

این درخشندگی به ساعتی مخصوص و روزی معین اختصاص ندارد. از آن روز که وظیفه خود را تعهد کردند، تا امروز و برای همیشه چون گوهری بر تارک تربیت اسلامی می درخشند (90)».

زهراء در لغت، یعنی درخشنده. در روایات آمده است هنگامی که فاطمه (س) به نماز و عبادت می ایستادند، اهل آسمان از نور او بهره می گرفتند، چنانکه زمینی ها از نور خورشید بهره مند می شوند.

فاطمه زهرا (س) از نور عظمت خداوند به وجود آمده است

عن جابر عن ابی عبدالله (ع) قال:

«قلت:

لم سمیت فاطمه الزهراء (س) «زهراء»؟

فقال:

لأن الله عز و جل خلقها من نور عظمته فلما أشرقت أضاءت السماوات و الأرض بنورها و غشيت أبصار الملائكة لله ساجدين و قالوا إلهنا و سيدنا!

ما هذا النور؟ فأوحى الله إليهم هذا نور من نوري و أسكنته في سمائي، خلقتة من عظمتي، أخرجته من صلب نبي من أنبيائي، افضله على جميع الأنبياء و اخرج من ذلك النور أئمة يقومون بأمرى، يهدون الى حقى و اجعلهم خلفائى فى أرضى بعد إنقضاء وحيى.»

جابر از امام حسين (ع) سؤال کرد:

چرا فاطمه (س) را «زهراء» نامیده اند؟

ایشان فرمودند:

خداوند فاطمه (س) را از نور عظمت خود آفرید. وقتی فاطمه (س) درخشیدند، زمین و آسمان را نورانی کردند.

چشمهای ملائکه غرق نور شد و خداوند را سجده کردند و از روی تعجب گفتند:

خداوندا!

این

چه نوری است؟

وحی شد که این یکی از نورهای من است، در آسمان جایش دادم و او را از طریق پیامبر (ص) متولد گردانیدم و او را بر همه پیامبران (ع) برتری دادم و از آن نور، ائمه ی هدی (ع) به وجود آمدند، تا دستورات مرا اجرا نمایند و مردم را هدایت کنند، آنها بعد از قطع شدن وحی، جانشینان من در زمین هستند (91)».

**محراب فاطمه زهرا (س) هنگام عبادت غرق نور است**

عن ابن عماره عن ابیه قال:

«سئلت أبا عبد الله (ع) عن فاطمه (س) لم سميت «زهراء»؟»

فقال:

لأنها كانت إذا قامت فى محرابها زهر نورها لأهل السماء كما يزهر نور الكواكب لأهل الأرض.»

پدر ابن عمار از امام صادق (ع) سؤال کرد:

چرا فاطمه (س) را «زهراء» نامیده اند؟

فرمودند:

زیرا هرگاه در محراب عبادت می ایستادند، نورشان برای اهل آسمان می درخشید، همچنان که ستارگان برای ما زمینها درخشش دارند (92)».

فاطمه زهرا (س) درخشنده چون ماه

عن الرضا (ع) قال فی حدیث طویل:

«كانت فاطمه (س) إذا طلع هلال شهر رمضان يغلب نورها الهلال و يخفى فإذا غابت عنه ظهر».

امام رضا (ع) فرمودند:

هلال ماه رمضان که ظاهر می شد نور فاطمه (س) بر آن غلبه می کرد و کسی نمی توانست نور هلال ماه را ببیند، تا اینکه حضرت فاطمه (س) از آنجا می رفتند، آنگاه هلال ماه دیده می شد (93) «.

زهرا، یعنی درخشنده

عن عائشه: «كنا نخيط و نغزل و ننظم الإبره بالليل فی ضوء وجه فاطمه (س) ... و لذلك سميت «الزهراء».

عائشه می گوید:

شب هنگام، ما در نور صورت فاطمه ی زهرا (س) خیاطی، پشم ریزی و بافندگی می کردیم و چون صورتی بسیار درخشنده داشت «زهراء» نامیده شد (94) «.

فاطمه زهرا (س) برای امیرالمؤمنین (ع) می درخشد

ابوهاشم العسکری سالت صاحب العسکر (ع):

«لم سمیت فاطمه، «الزهراء» (س)؟

فقال:

كان وجهها يزهر لأمیر المؤمنین (ع) من أول النهار كالشمس الضاحیه و عند الزوال كالقمر المنیر و عند غروب الشمس كالکوکب الدرّی».

ابوهاشم گوید:

از امام حسن عسکری (ع) سؤال کردم:

چرا فاطمه (س)، «زهراء» نامیده شد؟

فرمودند:

صورت فاطمه (س) برای امیرالمؤمنین (ع) در اول روز مانند خورشید می درخشید و هنگام عصر مانند ماه تابان بود.

و هنگام غروب خورشید مانند ستاره ای پر نور بود، چون چنین بودند او را زهراء (س) گویند (95) «.



## تعجب اهل مدینه از محراب غرق نور فاطمه ی زهرا (س)

عن ابان بن تغلب قال:

«قلت لأبی عبد الله (ع):

یا بن رسول الله!

لم سمیت «الزهراء» (س)، زهراء؟

فقال لأنها تزهر لاميرالمؤمنين (ع) فی النهار ثلاث مرات بالنور كان يزهر نور وجهها صلاه الغداه و الناس فی فراشهم فیدخل بياض ذلك النور إلى حجراتهم بالمدينه فتبيض حيطانهم فيعجبون من ذلك فيأتون النبي (ص) فيسألونه عما رأوا فيرسلهم إلى منزل فاطمه (س) فيأتون منزلها فيرونها قاعده فی محرابها تصلى و النور يسطع من محرابها من وجهها، فيعلمون ان الذي رأوه كان من نور فاطمه، فاذا انتصف النهار و ترتبت الصلاه، زهر نور وجهها (س) بالصفرة فتدخل الصفرة، فی حجرات الناس، فتصفر ثيابهم و إوانهم، فيأتون النبي (ص) فيسألونه عما رأوا، فيرسلهم إلى منزل فاطمه (س) فيرونها قائمه فی محرابها و قد زهر نور وجهها (ع) و على أبيها و بعلها و بنيتها بالصفرة فيعلمون أن الذي رأوا، كان من نور وجهها، فاذا كان آخر النهار و غربت الشمس احمر وجه فاطمه، فاشرق وجهها بالحمرة فرحاً و شكراً لله عز و جل، فكان تدخل حمرة وجهها حجرات القوم و تحمر حيطانهم فيعجبون من ذلك و يأتون النبي (ص) و يسألونه عن ذلك، فيرسلهم إلى منزل فاطمه

(س)، فيرونها جالسه تسبح الله و تمجده و نور وجهها يزهر بالحمرة فيعلمون ان الذي رأوا كان من نور وجه فاطمه (س) فلم يزل ذلك النور فی وجهها حتى ولد الحسين (ع) فهو يتقلب فی وجوهنا إلى يوم القيامة فی الأئمه منا أهل البيت إمام بعد إمام (96)».

ابان بن تغلب می گوید:

از امام صادق (ع) سؤال کردم:

ای فرزند پیامبر (ص)

چرا فاطمه (س) را، «زهراء» گویند؟

فرمودند:

فاطمه (س) برای امیرالمؤمنین (ع) در طول روز سه بار می درخشید. نور او در هنگام نماز صبح، زمانی که مردم در خواب بودند، حیا خانه آنها را نورافشانی می کرد. همه متعجب شدند، خدمت پیامبر (ص) رسیدند و سؤال کردند این نور چه بود که ما دیدیم؟

پیامبر (ص) آنها را به منزل فاطمه زهرا (س) فرستادند. وقتی که به منزل فاطمه ی زهرا (س) آمدند، دیدند آن حضرت روی سجاده خود نشسته اند و در حال نماز هستند و نور از صورت فاطمه زهرا (س) از میان محراب می درخشد. همه دریافتند آنچه دیده اند نور فاطمه (س) بوده است.

هنگام ظهر، وقتی برای نماز آماده شدند، نوری زرد رنگ از ایشان ساطع گشت که تمام خانه های مدینه را فراگرفت. رنگ صورت و لباس همه ی مردم زرد شد. پیش پیامبر (ص) آمدند و از آنچه دیده بودند سؤال کردند. باز پیامبر (ص) آنها را به منزل فاطمه (س) فرستادند. این بار نیز حضرت فاطمه (س) را در محراب دیدند در حالی که از صورت ایشان برای پیامبر (ص) و علی (ع) نوری زرد رنگ می درخشید. فهمیدند آنچه دیده اند از نور فاطمه (س) بوده است.

و هنگامی که خورشید غروب نمود، صورت زهراء (س) قرمز گشت و نوری قرمز از

ایشان می درخشید این نور داخل منازل مردم مدینه گشت، خانه های مردم قرمز شد و در تعجب فرو رفتند. مردم دوباره پیش پیامبر (ص) رفتند و از این مطلب سؤال کردند، پیامبر (ص) آنها را به منزل فاطمه ی زهراء (س) فرستاد، آنها به منزل فاطمه (س) آمدند و ایشان را روی سجاده دیدند، در حالی که خداوند را تسبیح می گفت و

از سیمای ملکوتی ایشان نوری قرمز می درخشید، دریافتند آنچه دیده بودند از نور سیمای فاطمه (س) بوده است.

این نور در سیمای فاطمه (س) بود، تا زمانی که امام حسین (ع) متولد گشتند، از آن به بعد این نور در سیمای هر یک از اهل بیت (ع) بود و تا قیامت از چهره همه امامان درخشش خواهد داشت.»

\*\*\*\*\*

القاب حضرت زهرا (س)

اشاره

علاوه بر اسامی حضرت زهرا (س)، در برابر هر صفت و کمالی که از حضرت فاطمه (س) سراغ داریم، یک لقب پرمحتوا برای آن حضرت، از طریق روایات به یادگار به ما رسیده است.

القاب حضرت زهرا (س) بی شمار است، زیرا کمالات او بی پایان است، اما آنچه در این فصل عرضه می شود، غوصی در کوثر القاب آن حضرت در میان روایات، ادعیه و سخنان ائمه ی اطهار (ع) و پیامبر اکرم (ص) است.

۱- انسیه

اشاره

أُنْسٍ - أُنْسٍ - أُنْسٍ - تَأْنِسُ: صار إنساناً،

إِنْسِي و أنسى: البشر أو غير الجن و الملاك.

فاطمه زهراء (س) الگوی تمامی انسانها از زن و مرد بوده و هستند، زیرا در انسانیت به تمام درجات کمال رسیده بودند، اما چون نصیبی از بهشت داشتند، او را حوراء انسیه می گویند، یعنی فرشته ای انسان صفت.

**فاطمه (س)، انسانی بهشتی**

...قال رسول الله (ص):

...«ففاطمه حوراء» «انسیه» فإذا إشتقت إلى الجنّة شممت رائحة فاطمه (س)».

پیامبر (ص) فرمودند:

هرگاه مشتاق بهشت می شوم، فاطمه (س) را می بویم. فاطمه (س) بوی بهشت می دهد. او فرشته ای در پوست انسان است (97)».

**فاطمه ی زهرا (س) فرشته ای در قالب انسان**

عن أسماء بنت عمیس قالت:

«قال رسول الله (ص) و قد كنت شهيدت فاطمه (س) و قد ولدت بعض ولدها فلم أر لها دماً فقال (ص):

إن فاطمه خلقت حورية في صورة «إنسیه.»»

اسماء بنت عمیس می گوید:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

من زایمان فاطمه (س) را در تولد بعضی فرزندانش دیده ام، او از زایمان، هیچ خونی ندید، زیرا فاطمه (س) فرشته ای در صورت انسانهاست (98)».

بَتَلٌ - بَتْلًا: قطعہ و أبانہ عن غیرہ،

البَتُول: من إنقطع عن الزواج

در لغت، «الْبَتْلُ» بریدن شیء را معنا می دهد و «بتول» در لغت، دختر و دوشیزه ای را گویند که رغبت و حاجت خود را از مردان بریده باشد. کسی که به خاطر خدا از دنیا بریده است و کسی که از ازدواج خودداری می کند، همچنین به زنی که خون حیض نبیند، بتول گفته می شود.

فاطمه زهراء (س) هیچگاه خون حیض نمی دید

عن علی (ع):

«إِنَّ النَّبِيَّ (ع) سَأَلَ: مَا الْبَتُولُ؟

فَأَنَّا سَمِعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَقُولُ:

إِنَّ مَرْيَمَ بَتُولٌ وَ فَاطِمَةُ (س) بَتُولٌ.

فَقَالَ (ص):

البتول التي لم تر حمرة قط، أي، لم تحض فإن الحيض مكروه في بنات الأنبياء.»

امیر المؤمنین (ع) فرمودند:

از پیامبر (ص) سؤال شد:

بتول یعنی چه؟

ما از شما شنیده ایم که مریم و فاطمه (ع)، بتول هستند.

پیامبر (ص) فرمود:

بتول، یعنی زنی که خون عادت ماهانه نبیند و هیچگاه حیض نشود، زیرا حیض در دختران پیامبران پسندیده نیست.»

فاطمه زهرا (س) هر شب باکره می گشت

عن النبی (ص):

«سمیت فاطمه «بتولاً» لآنها تبنت و تقطعت عما هو معنا العورات فی کل شهر و لآنها ترجع کل ليله بکراً. و سمیت مریم بتول لآنها ولدت عیسی بکراً».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

فاطمه ی زهرا (س) بتول نامیده شد، زیرا از آنچه زنان بر آن عادت دارند (حیض شدن در هر ماه) بریده شده بود و ایشان هر شامگاه باکره می شدند.

حضرت مریم نیز بتول نامیده شد، زیرا عیسی (ع) را در حالی که باکره بود به دنیا آورد (100) «.

۳- تقیه

اشاره

زنی را که اهل پرهیزکاری و تقوا باشد «تقیه» گویند. آیا کسی از صدیقه ی طاهره (س) در میان زنان پرهیزکارتر می شناسید؟

فاطمه ی زهرا (س) الگوی تقوا

«فی زیاره فاطمه (س) فی الروضه»، تقف فی الموضع المذكور و تقول.

«السلام علی البتوله الطاهره و الصدیقه المعصومه و البره «التقیه» سليله المصطفی و حلیله المرتضی و ام الأئمه النجباء. اللهم إنها خرجت من دنیاها مظلومه مغشومه، قد ملئت داء و حسره و کمداً و غصه تشکو إلیک و إلی آبیهما ما فعل بهما. اللهم إنتقم لها و خذلها بحقها...»

در زیارتنامه ی حضرت فاطمه ی زهرا (س) می خوانیم:

درود بر تو ای زن پاکیزه از هر بدی و آلودگی، سلام بر تو ای زن بسیار راستگو، دور از هر گناه، نیکوکار، با تقوا، فرزند مصطفی (پیامبر اکرم (ص))، همسر مرتضی (امیرالمؤمنین (ع)) و مادر پیشوایان گرامی و با کرامت. خداوندا فاطمه ی زهرا (س) در حالی که مورد ظلم و ستم دشمنان قرار گرفته بود از این دنیا رفت، لبریز از درد و حسرت و آه و غم و اندوه بود که شکایت این قوم را در پیشگاه تو و پدرش نمود. خداوندا انتقام او را بگیر و حق مسلم ایشان را بازگردان (101) «.

«السلام عليك أيتها «التقيّه» النقيّه،

دورد بر تو ای زن پاکدامن و با تقوا (102)!»

٤- حبيبه

اشاره

حَبَّ - حُبًّا و حِبًّا: وَدَّه، حَبَّ - و حَبَّ - إِلَيْه: صار حبيباً له، أي، محبوباً،

الحبيب: المَحْبَبُ تقول أنا حبيبكم، أي مُحِبُّكم، المحبوب، تقول:

«هذا حبيبي»، أي، محبوبي.

حبيبه، یعنی زنی محبوب و دوست داشتنی، زنی که او را دوست داشته باشند. «حبيبه حبيب الله»، یعنی پیامبر خدا (ص) که حبيب خداوند است، فاطمه زهرا (س) را دوست می دارد.

فاطمه زهرا (س) محبوبه ی رسول الله (ص)

عن ابی عبدالله (ع) قال:

...قال أمير المؤمنين (ع):

...«فلما كانت الليله التي أراد الله أن يكرمها و يقبضها إليه أقبلت تقول:

و عليكم السلام و هي تقول لي:

يا ابن عمّ قد أتاني جبرئيل مسلماً و قال لي:

السلام يقرأ عليك السلام يا «حبيبه» حبيب الله! و ثمره فؤاده، اليوم تلحقين بالرفيع الأعلى و جنه المأوى ثم إنصرف عني...»

امام صادق (ع) فرمودند:

...امير المؤمنين (ع) فرمودند:

شبی که خداوند می خواست جان زهراء (س) را بگیرد، حضرت زهراء (س) به طرف قبله رو نمودند و گفتند:

درد بر شما باد.

و به من گفت:

ای پسر عمو، جبرئیل در حالی که درود می فرستاد بر من وارد شد و گفت:

«سلام»، بر تو درود می فرستد، ای محبوب پیامبر (ص) و ای ثمره ی قلب رسول!

امروز به ملکوت اعلی خواهی شتافت و سپس از من دور شد (103) «...»

**فاطمه ی زهرا (س) دوستدار رسول خدا (ص)**

...«أنا زوج البتول سيّده نساء العالمين فاطمه التقيه الزكيه البرّه المهديه، «حبيبته» حبيب الله و خير بناته و سلالته و ريحانه رسول الله»...

...من شوهر بتول (س)، سرور زنان عالم هستم. فاطمه ای که اهل پاکدامنی است، نیکوکار است، از طرف خداوند هدایت شده است، دوست، دوست خداست، بهترین دختر و فرزند پیامبر خداست، ريحانه ی پیامبر اکرم (ص) است (104) «...»

**۵- حُرّه**

**اشاره**

حُرّ - حَرَاراً العبدُ: عَتِق و صار حُرّاً،

الحُرّ: خلاف العبد و الأسير، الكريم،

الحُرّه، خلاف الأمه، الكريمه

هر زن آزاده را حُرّه خوانند. زنی آزاده تر از فاطمه (س) در دنیا یافت نمی شود. فاطمه (س) زنی که آزادگی را معنا نمود و در راه حریت جان خویش را فدا نمود.

**فاطمه ی زهرا (س) زنی آزاده**

عن سلمان و عبدالله بن العباس قالاً:

«توفی رسول الله (ص) ... فقاما، فجلسا بالباب و دخل علیّ (ع) علی فاطمه (س).

فقال لها:

أيتها «الحُرّه» فلان و فلان بالباب، يريدان ان يسلمّا عليك فماترين؟

قالت:

البيت بيتك و الحرّة زوجتك، إفعل ما تشاء...»

سلمان می گوید:

وقتی پیامبر (ص) فوت نمودند ... آن دو نفر (عمر و ابوبکر) به در خانه علی (ع) آمدند. امیرالمؤمنین (ع) پیش فاطمه (س) آمدند و صدا زدند:

ای آزاده!

آن دو نفر پشت در خانه هستند، می خواهند خدمتان برسند و سلام عرض کنند. چه می گویی؟

فاطمه (س) گفت:

خانه، خانه توست و من نیز زن تو هستم، هرچه خواهی انجام ده (105)».

۶- حوراء

اشاره

حور - حوراً - حورت العین: اِشْتَدَّ بِيَاضِ بِيَاضِهَا و سواد سوادها.

حوراء زنی است که چشمانی زیبا دارد که سفیدی (بدن) او، در نهایت سفیدی و سیاهی (چشمان) او نیز در نهایت سیاهی است، که این یکی از صفات حورالعین است.

خلقت فاطمه زهراء (س) نصیبی از بهشت داشت، لذا ایشان صفات فرشتگان را داشتند. پس یکی از اسامی آن حضرت نیز «حوراء» است، یعنی زنی که همچون فرشتگان دارای چشمانی زیباست.

فاطمه ی زهراء (س) بوی بهشت می دهد

...قال رسول الله (ص):

...«ففاطمه «حوراء» إنسيه فإذا اِشْتَقْتِ إِلَى الْجَنَّةِ شَمَمْتَ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ (س)».

پیامبر (ص) فرمودند:

هرگاه مشتاق بهشت می شوم، فاطمه (س) را می بویم. فاطمه (س) بوی بهشت می دهد. او فرشته ای در پوست انسان است (106)».



فاطمه زهرا (س) فرشته ای که از هر آلودگی به دور است

قال رسول الله (ص):

«إن ابنتی فاطمه «حوراء»، إذ لم تحض و لم تطمث»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

به درستی که دخترم، فاطمه (س)، فرشته و «حوراء» است، زیرا او هیچگاه خون حیض نمی بیند و هیچ آلودگی در او راه ندارد (107)».

فاطمه ی زهرا (س) در قالب انسان

قال رسول الله (ص):

«ابنتی فاطمه «حوراء» آدمیه»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

دخترم فاطمه (س)، «فرشته ای» در قالب انسان است (108)».

۷- حوریه

اشاره

از نظر لغت، در لقب حورا گذشت.

از آنجایی که خلقت حضرت فاطمه (س) با میوه های بهشتی در ارتباط بوده است، لذا صفات حوریه های بهشتی نیز در وجود آن حضرت فراوان یافت می شوند بدین جهت او را «حوریه» گویند، یعنی فاطمه ی زهرا (س) فرشته خصال بودند. فاطمه زهرا (س) بوی بهشت می دادند و همچون فرشتگان همواره باکره بودند و هیچگاه خون حیض، یا نفاس نمی دیدند.

پیامبر (ص) فاطمه ی زهرا (س) را حوریه خطاب می کند

عن سلمان الفارسی قال:

«كنت واقفاً بین یدی رسول الله (ص) أسكب الماء علی یدیہ إذا دخلت فاطمه (س) و هی تبکی، فوضع النبی (ص) یده علی رأسها و قال:

ما یبکیک؟ لأبکی الله عینیک یا «حوریه!»

قالت:

مررت علی ملاء من نساء قریش و هن مخضبات فلما نظرن إلی وقعوا فی و فی ابن عمی.

فقال لها:

و ما سمعت منهن؟

قالت:

قلن کان قد عزّ (۱۰۹) علی محمد أن یزوج ابنته من رجل فقیر قریش و أقلهم مالاً.

فقال لها:

والله یا بنیه!

ما زوجتک و لکن الله زوجک من علی فکان بدوه منه...»

سلمان فارسی رضی الله عنه می گوید:

خدمت پیامبر (ص) بودم و آب روی دست مبارکشان می ریختم که در این حین فاطمه (س) وارد شدند در حالی که می گریستند، حضرت فاطمه (س) عرضه داشتند:

بر گروهی از زنان قریش می گذشتم هنگامی که آنها مرا دیدند به بد گفتن از من و علی (ع) پرداختند.

پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمودند:

چه شنیدی؟

حضرت فاطمه (س) عرضه داشتند:

می گفتند:

چقدر برای محمد (ص) بد شد که دخترشان را به مرد فقیری از قریش دادند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

زهراء جان!

به خدا قسم من تو را شوهر ندادم، خداوند تو را به عقد علی (ع) درآورد(110) «».

...فقال (ص):

«إن فاطمه خلقت «حوریه» فی صورہ إنسیه»

پیامبر اکرم (ص) می فرمودند:

زهراء (س)

خلقتی از فرشتگان دارد که در پوستی از انسانها قرار گرفته است (111)».

۸- راکعه

اشاره

رَكَعَ - رُكْعًا وَ رُكُوعًا: اِنْحَنَى وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ وَ مِنْهُ الرُّكُوعُ فِى الصَّلَاةِ.

زنی را که اهل رکوع بر درگاه احدیت باشد، راکعه گویند.

فاطمه ی زهرا (س)، در شب جمعه تا صبح در رکوع بود.

عن الحسن بن علی بن ابی طالب (ع) قال:

«رَأَيْتِ أُمَّى فَاطِمَةَ (س) قَامَتِ فِى مَحْرَابِهَا لَيْلَهُ جُمُعَتِهَا فَلَمْ تَزَلْ «رَاكِعَةً» سَاجِدَةً حَتَّى إِتَّضَحَ عَمُودُ الصَّبْحِ وَ سَمِعْتِهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تَسْمِيَهُمْ وَ تَكْثُرُ الدَّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بَشَى ء.

فقلت لها:

يا أُمَّاهِ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟

فقلت:

يا بُنَى!

الجَارَ ثَمَ الدَّارَ».

امام حسن (ع) می فرماید:

مادرم را در یک شب جمعه دیدم که به نماز ایستاده اند و پی در پی در رکوع و سجود بودند، تا صبح شد. شنیدم زنان و مردان با ایمان را، با نام می خواند و از خداوند برای آنها دعای خیر می نمودند و برای خودشان هیچ چیز از خداوند نمی خواستند. از ایشان سؤال کردم:

چرا برای خودتان چیزی نمی طلبید؟

فرمودند:

پسرم!

اول باید همسایه ها را دعا نمود و بعد خویشان را(112) «.

۹- رشیده

اشاره

رَشَدَ - رُشِدًا و رَشَادًا، رَشِدَ - رَشَدًا: إهتدی و إستقام،

الرشید:

ذوالرشد، الهادی، المهتدی،

الرشد:

الإستقامه علی طریق الحقّ.

رشیده:

زنی را گویند که هدایت الهی شامل حال او شده است و در مسیر حق و حقیقت ثابت قدم می باشد و در این راه، هدایتگر دیگران می شود.

در فقه و حقوق به زنی که از نظر فکری به مرحله ای رسیده باشد که بتواند امور خود را به تنهایی اداره کند، رشیده گویند.

حنوط پیامبر (ص) و علی و فاطمه (ع) از بهشت آمده است

عن موسی بن جعفر عن أبیه (ع) قال:

قال علی بن ابی طالب (ع):

«کان فی الوصیه أن یدفع إلیّ الحنوط فدعانی رسول اللّٰه (ص) قبل وفاته بقلیل.

فقال:

يا علي! و يا فاطمه!

هذا حنوطى من الجنة، دفعه إلى جبرئيل و هو يقرئكما السلام و يقول لكما:

اقساماه و اعزلا (۱۱۳) منه لى و لكما.

قالت:

لك ثلثه وليكن الناظر فى الباقي على بن ابي طالب (ع).

فبكى رسول الله (ص) و ضمها إليه و قال:

موقفه «رشيده» مهديه ملهمه. يا علي! قل فى الباقي.

قال:

نصف ما بقى لها و نصف لمن ترى يا رسول الله!

قال:

هو لك فاقبضه (114)».

امام كاظم (ع) از پدران خود (ع) نقل فرمودند که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

در وصیت پیامبر (ص) آمده بود که حنوط را به من بدهند، پس پیامبر (ص) کمی قبل از فوتشان مرا خواستند و فرمودند:

ای علی (ع)!

و ای فاطمه (س)!

این حنوط من است که جبرئیل (ع) آن را از بهشت برایم آورده. جبرئیل (ع) بر شما درود فرستاد و گفت:

شما باید آن را تقسیم کنید و برای من و خودتان بردارید. فاطمه (س) گفتند:

یک سوم آن برای شما باشد و درباره ی بقیه نیز علی (ع) نظر بدهد.

پیامبر (ص) (از این برخوردار متعجب شدند) گریستند و زهرا (س) را به سینه ی خود چسباندند و

فرمودند:

تو یک زن موفقه و رشیده هستی که از سوی خداوند مورد الهام واقع شده و از طرف او هدایت یافته ای. بعد فرمودند:

یا علی (ع)!

درباره ی باقی حنوط سخن بگو. امیرالمؤمنین (ع) عرضه داشتند:

نصف باقی مانده، از آن زهراء (س) باشد درباره بقیه ی آن خودتان رأی دهید.

پیامبر (ص) به امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

باقیمانده ی آن هم برای خود شماست، آن را بگیرید.»

۱۰- رضیّه

اشاره

از نظر لغت در اسم رضیبه توضیح داده شد.

در صفت رضا، آن قدر رضای حضرت زهرا ی مریضه (س) مثال زدنی است که برای این صفت نیک ایشان، چندین لقب ذکر شده است.

«راضیبه»، «مرضیبه» و «رضیبه.»

فاطمه ی زهرا (س) راضی در برابر همه ی سختیها

عن الصادق (ع) قال:

دخل رسول الله (ص) علی فاطمه (س) و علیها کساء من ثله الابل و هی تطحن بیدها و ترضع ولدها فدمعت عینا رسول الله (ص) لما ابصرها فقال:

یا بنتاه!

تعجلی مراره الدنيا بحلاوه الآخره

فقد أنزل الله علی: «و لسوف یعطیک ربک فترضی»

امام صادق (ع) فرمود:

رسول خدا (ص) وارد منزل فاطمه (س) شدند. فاطمه زهرا (س) در حالی که لباس خشنی از پشم شتر در تن داشتند با یک دست آسیا می کردند و با دست دیگر فرزندشان را در آغوش داشته و به او شیر می دادند. اشک در چشمان پیامبر (ص) ظاهر شد، فرمودند:

دخترم!

تلخی دنیا را در برابر شیرینی آخرت تحمل کن، چرا که خداوند بر من نازل کرده است که آنقدر پروردگارت به تو می بخشد، تا تو راضی شوی.

«و لسوف يعطيك ربك فترضى (115)»

«السلام عليك أيتها «الرضيَّه» المرضيه

دروود بر تو!

ای زنی که به مقدرات الهی راضی هستی و خداوند نیز از تو راضی است (116)»!

۱۱- ریحانه

اشاره

رَاحَ يَرُوحُ رَاحَهُ الشَّيْءُ: وَجَدَ رَائِحَتَهُ وَ رِيحاً الشَّيْءُ: وَجَدَ رِيحَهُ،

الريح: الرائحة لما يدرک بحاسه الشم، الشئ الطيب،

الريحان: كل نبات طيب الرائحة: هر گیاهی خوشبوی،

الريحانه: طاقه الريحان.

ریحانه در لغت، گیاهی خوشبوی است، البته برای موجود لطیفی چون زن نیز استعمال می گردد.

پیامبر (ص) مکرر می فرمودند:

«فاطمه (س) ریحانه ی من است، که هرگاه مشتاق بهشت می شوم او را می بویم».

پس زهراء (س) گل خوشبویی بودند که بوی بهشت می دادند.

## فاطمه ی زهرا (س) ریحانه ی پیامبر اکرم (ص)

قال علی (ع):

«...أنا زوج البتول، سيده نساء العالمين، فاطمه التقيہ الزكيه البره المهديه، حبيبه حبيب الله و خير بناته و سلالته و «ريحانه» رسول الله...»

«...من شوهر بتول، سرور زنان عالم هستم. فاطمه ای که اهل پاکدامنی است، نیکوکار است، از طرف خداوند هدایت شده است، دوست، دوست خداست، بهترین دختر و فرزند پیامبر خداست، ریحانه پیامبر اکرم (ص) است (117)»

در موارد بسیاری امیرالمومنین (ع) برای معرفی خود، به جای آنکه بگویند من علی ابن ابیطالب هستم، خود را توسط حضرت فاطمه (س) معرفی می نمایند. در اینجا نیز خود را به وسیله ی فاطمه ی زهراء (س) به دیگران معرفی می کنند و می گویند:

من همسر زهراى اطهرم.

در جایی دیگر امیرالمومنین (ع) مردم را سوگند می دهند و می گویند:

«من شما را به خدا سوگند می دهم، آیا کسی غیر از من در میان شما هست که زنش سرور زنان عالم باشد؟

مردم پاسخ دادند:

نه (118)»

امیرالمؤمنین (ع) در احتجاجی به ابوبکر می گوید:

«من کسی هستم که پیامبر (ص) من را برگزیدند و دخترش را به من تزویج کردند و فرمودند:

خداوند فاطمه (س) را در آسمانها به عقد تو درآورد،

ابابکر!

تو را به خدا سوگند می دهم این برای من است یا برای تو؟

ابوبکر جواب داد:

برای شما است (119).

اهل بیت (ع) برای معرفی



خود از طریق نام فاطمه زهرا (س) بهره می جستند، همانطور که امام حسین (ع) در روز عاشورا خود را فرزند فاطمه زهرا (س) معرفی کردند و فرمودند:

و «فاطمه امی ابنه الطَّهْرُ أَحْمَدُ (120)»

و همانگونه که فرزدق، امام سجاد (ع) را در کنار حرم امن الهی، برای هشام چنین معرفی می کند:

«هَذَا ابْنُ سَيِّدَةِ النِّسْوَانِ فَاطِمَةَ (121)».

همه ی ائمه ی هدی (ع) از اینکه خود را منتسب به حضرت زهرا (س) می دانستند، افتخار می کردند، لذا در هنگام معرفی، خود را فرزند فاطمه مرضیه (س) معرفی می نمودند.

## ۱۲- زهره

### اشاره

الزُّهْرَة: سیاره بعدها المعدن عن الشمس ۱۰۸ ملایین کیلومتر و هی شدیدة اللمعان، تكون تاره نجمة الصَّبح و طورا نجمة المساء (122).

زهرة، سیاره ای است که از خورشید ۱۰۸ میلیون کیلومتر فاصله دارد، درخشندگی شدیدی دارد، گاهی در صبح و گاهی در شب ظاهر می شود.

### فاطمه ی زهرا (س) زهره ی اهل بیت (ع)

عن موسى بن جعفر عن أبيه عن جده (ع) عن جابر الأنصاري قال:

«صلى بنا رسول الله (ص) يوماً صلاة الفجر ثم إنفقل (۱۲۳) و أقبل علينا يحدثنا. ثم قال:

أيها الناس من فقد الشمس فليتمسك بالقمر و من فقد القمر فليتمسك بالفرقدین. (۱۲۴) قال:

فقلت أنا و أبوأيوب الأنصاري و معنا أنس بن مالك،

فقلنا:

يا رسول الله!

من الشمس؟

قال:

أنا فاذاً هو (ص) قد ضرب لنا مثلاً فقال:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنَا فَجَعَلَنَا بِمَنْزِلِهِ نَجُومَ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ، طَلَعَ نَجْمٌ فَأَنَا الشَّمْسُ فَإِذَا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ.

قلنا:

فمن القمر؟

قال:

أخي و وصي و وزيری و قاضی دینی و أبو ولدی و خلیفتی فی أهلی.

قلنا:

فمن الفرقان؟

قال:

الحسن و الحسين (ع).

ثم مكث ملياً فقال:

هولاء و فاطمه (س) و هي «الزُّهْرَة» عترتی و أهل بیتی هم مع القرآن لا یفترقان حتی یردا علی الحوض.»

امام موسی کاظم (ع) از پدران خود (ع) از جابر بن عبدالله نقل می فرمایند که جابر گفت:

روزی با پیامبر (ص) نماز صبح را به جای آوردیم، سپس ایشان رو به طرف ما نمودند تا سخنرانی بفرمایند. پس

فرمودند:

ای مردم هر کس از خورشید محروم گشت، به ماه روی آورد و هر کس ماه را از دست داد، به دو ستاره قطبی پناه

بیاورد. جابر گوید:

من و ابویوب انصاری و انس بن مالک برخاستیم و سؤال نمودیم:

ای پیامبر خدا (ص)!

خورشید کیست؟

پیامبر (ص) فرمود:

خورشید من هستیم.

سپس برایمان مثلی زدند و فرمودند:

خداوند

ما را خلق نمود و ما را به منزله ی ستارگان قرار داد، هرگاه یکی از ستارگان مخفی شود، ستاره ای دیگر می درخشد. پس من خورشید هستم، هرگاه مخفی شدم به ماه متمسک شوید.

سؤال نمودیم:

ماه کیست؟

فرمود:

برادرم، جانشینم، حاکم دینم، پدر فرزندانم و خلیفه من در نزد اهل بیتم (ع).

گفتیم: دو ستاره قطبی (فرقدان) چه کسانی هستند؟

فرمود:

حسن و حسین (ع). سپس مکتی نمودند و فرمودند:

اینها را که شناختید، اما فاطمه (س)، او «زهره ی» اهل بیت طهارت (ع) است.

اینها همه با قرآن همراه هستند و از همدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند (125) «.

قال رسول الله (ص):

«فاطمه هی الزُّهره».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

فاطمه، «زهره» و درخشنده می باشد (126) «.

۱۳- ساجده

سَجَدَ - سُجُوداً: اِنْحَنَى، خَاضِعاً، وَضَعَ جَبْهَتَهُ بِالْأَرْضِ مُتَعَبِداً.

زنی را که پیشانی بر درگاه حضرت حق بساید، ساجده گویند.

فاطمه ی زهرا (س) پس از ولادت بر خداوند سجده کردند.

قالت خديجه (س): «كانت فاطمه تحدث في بطن أمها و لمّا ولدت، فوقعت حين وقعت على الأرض «ساجده» رافعه إصبعها»

حضرت خديجه (س) فرمودند:

فاطمه (س) آنگاه که در رحم مادرش بود با مادر خود سخن می گفت و آن زمان که متولد شد، بر زمین سجده کرد و انگشتان خود را به طرف آسمان گرفت (127) .»

### ۱۵- سعیده

سَعِدَ - سَعَدًا و سَعُودًا - اليوم: يَمُنْ،

سَعِدَ - و سَعِدَ سَعَادَه: ضد شقی،

فهو: سعید، أسعده الله:

جعله سعیداً.

زن خوشبختی را که عاقبت به خیر باشد، سعیده گویند.

### ۱۶- سیّده

اشاره

ساد، سیاده و سلُوداً و سُوُدُداً و سَيِّدُودَه و سُوُداً: شرف و مجد،

السَّيِّد:

ذو السیّاده، قد يخفف فيقال سيّد و العامّه تكسر العين فيه و عندالنصارى: لقب المسيح و عند المسلمين: من كان من سلالة النبويه،

السَيِّدان: الحسن و الحسين ابنا على،

السَيِّده: لقب العذراء مريم.

فاطمه ی زهرا (س) سرور زنان عالم است

قلت لأبی عبدالله (ع).

«أخبرنی عن قول رسول الله (ص) فی فاطمه (س) أنها سیده نساء العالمین. أهی سیده عالمها؟

فقال:

ذاك لمريم (س) كانت سیده نساء عالمها و فاطمه (س) «سیده» نساء العالمین من الاولین و الآخرین»

راوی می گوید:

از امام صادق (ع) سؤال نمودم؛ اینکه پیامبر (ص) فرموده اند:

«فاطمه ی زهرا (س) سرور زنان عالم است.» آیا سرور زنان عالم در زمان خودش است؟

امام (ع) فرمودند:

حضرت مریم (س) این چنین بود، اما فاطمه ی زهرا (س) سرور تمام زنان عالم از اولین تا آخرین است (128)».

فاطمه ی زهرا (س) سرور بانوان امت پیامبر (ص)

عن عائشه قالت:

...قالت فاطمه (س):

«فقال (ص) لی:

أما ترضین أن تأتي يوم القيامة «سیده» نساء المؤمنین أو سیده نساء هذه الأمة».

عایشه می گوید:

...فاطمه ی زهرا (س) برای من گفتند:

پیامبر (ص) فرمودند:

«آیا نمی خواهی روز قیامت، سرور زنان با ایمان و سرور زنان این امت باشی؟ (129)»

پس نتیجه آنکه:

این دو روایت، فاطمه ی زهرا (س) را سرور زنان عالم، هم در دنیا و هم در آخرت معرفی می نماید.

شَهِید و شَهِید:

الذی لا یغیب شیء عن علمه، القتل فی سبیل اللّٰه،

و الإسم الشهاده، قیل سمی بذالک لقیامه بشهاده الحق فی أمر اللّٰه.

یکی از اسامی سیاسی و افتخار آمیز فاطمه ی زهراء (س) شهیده می باشد. اولین شهیده ی راه ولایت، فاطمه ی زهراء (س) هستند. در این باره به روایت ذیل توجه فرمایید.

### فاطمه ی زهرا (س) شهیده ی بین دیوار و در

...«فأقبل الناس حتی دخلوا الدار فکاثروه (۱۳۰) و ألقوا فی عنقه حبلاً فحالت بینهم و بینة فاطمه (س) عند باب البيت فضربها قنغذ الملعون بالسوط فماتت حین ماتت و أن فی عضاده (۱۳۱) بیتها و دفعها فکسر ضلعها من جنبها فألقت جنینا من بطنها فلم تزل صاحبه فراش حتی ماتت (س) من ذلک «شهیده...»

...مردم جلو آمدند تا وارد خانه شدند و بر امیرالمؤمنین (ع) مسلط شدند و طنابی در گردن مولا انداختند.

حضرت فاطمه (س) میان امیرالمؤمنین (ع) و مردم قرار گرفتند و مانع بردن آن حضرت شدند. قنغذ ملعون با شلاق بر بازوی حضرت زهراء (س) زد.

این ضربه برای دختر پیامبر کشنده بود.

بازوی آن حضرت آن قدر ورم کرد که تصور می شد ایشان بازوبند بسته باشند. فاطمه زهراء (س) مجبور شدند به گوشه ای از خانه پناه بردند.

آن ملعون حضرت زهراء (س) را چنان از علی (ع) جدا نمودند که بر دیوار اصابت نمودند و پهلوی آن حضرت شکسته شد و محسن را نیز سقط نمودند و پس از آن بستری شدند تا به شهادت رسید، لذا حضرت فاطمه (س) «شهیده» هستند (132) «».

### فاطمه ی زهرا (س) راستگوی شهیده

عن أبی الحسن (ع) قال:

«إن فاطمه (س) صدیقه «شهیده...»

امام رضا (ع) فرمودند:

فاطمه ی زهراء (س) زنی بسیار راستگو و شهیده در راه اسلام هستند (133) «».

صَبْرًا، صَبْرًا عَلَى الْأَمْرِ: شکیبایی نمود بر آن کار و ثبات و دوام ورزید. جزو و شجع و تجلّد،

فهو، صابر، صبور، صبير: الحليم،

الصبر: التجلد و عدم الشكوى من ألم البلوى.

صابره، یعنی زن صبوری که سختیها را تحمل نماید، شکیبا باشد و بر مشکلات لبخند زند.

فاطمه ی زهرا (س) زنی شکیبا

«... يا مُمْتَحَنَه اِمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ عَن اَنْ يَخْلُقَكَ فوجدك لما اِمْتَحَنَكَ «صابره...»

ای بانویی که خداوند تو را قبل از خلقت آزمایش نمود و تو را در برابر امتحانات، شکیبا یافت (134) «!»

فاطمه ی زهرا (س) اسوه ی صبر و بردباری

«... السلام عليك أيتها المظلومه «الصابره» لعن الله من منعك حقك و دفعك عن إرثك...»

«سلام بر تو ای مظلومه ای که بر ستمهای اهل جور صبر نمودی! خداوند کسانی را که حق شما را از بین بردند و

شما را از ارث پیامبر (ص) محروم کردند لعنت کند (135) «.»

از نظر لغت در نام صدیقه گذشت.

زنی را که راستگو باشد، صادق گویند. فاطمه زهراء (س)، نه تنها صادق بودند، بلکه صدیقه نیز بودند. توضیح این

مطلب قبلاً بیان شد (136).

فاطمه (س) راستگو است هر چه گفت اطاعت کن

عن موسى بن جعفر عن أبيه (ع) قال (ع):

«لما كانت الليله التي قبض النبي (ص) في صبيحتها دعا علياً و فاطمه و الحسن و الحسين (ع) و أغلق عليه و عليهم

الباب و قال:

يا فاطمه!

و ادناها منه، فناجها من الليل طويلا، فلما طال ذلك خرج على (ع) و معه الحسن و الحسين (ع) و أقاموا بالباب و الناس خلف الباب و نساء النبي (ص) ينظرون إلى على (ع) و معه إبناه.

فقال عائشه:

لأمر ما أخرجك منه رسول الله! و خلا بإبنته دونك فى هذه الساعه؟

فقال لها على (ع):

قد عرفت الذى خلا بها و أرادها له و هو بعض ما كنت فيه و أبوك و صاحباه مما قد سمّاه، فوجمت أن ترد عليه كلمه، قال على (ع):

فما لبثت أن نادتنى فاطمه (س) فدخلت على النبي (ص) و هو وجود بنفسه، فبكيت و لم أملك نفسى حين رأيتته بتلك الحال وجود بنفسه.

فقال لى:

ما يبكيك يا على؟

ليس هذا أو ان البكاء فقد حان الفراق بينى و بينك، فإستودعك الله يا اخى!

فقد إختارنى ربى ما عنده و إنما بكائى و غمى و حزنى عليك و على هذه أن تضيع بعدى فقد أجمع القوم على ظلمكم و قد إستودعكم الله و قبلكم منى وديعه

يا على!

إنى قد اوصيت فاطمه ابنتى بأشياء و أمرتها أن تلقىها إليك فانفذها، فهى «الصادقه» الصدوقه، ثم ضمها اليه و قبل رأسها و قال:

فداك أبوك يا فاطمه!

فعلا صوتها بالبكاء، ثم ضمها إليه و قال:

أما والله لينتقمن الله ربى

و ليغضبن لغضبك، فالويل ثم الويل ثم الويل للظالمين، ثم بكى رسول الله (ص) قال على (ع):

فوالله لقد حسبت بضعه منى قد ذهبت لبكائه حتى هملت عيناه مثل المطر، حتى بلت دموعه لحيته و ملاءه كانت عليه و هو يلتزم فاطمه لا يفارقها و رأسه على صدرى و أنا مسنده، و الحسن و الحسين يقبلان قدميه و يبكيان بأعلا أصواتهما قال على (ع):



فلو قلت:

إِنَّ جَبْرئيلَ فِي الْبَيْتِ لَصَدَقْتَ، لِأَنِّي كُنْتُ أَسْمَعُ بَكَاءَ وَ نَعْمَهُ لَا أَعْرِفُهَا وَ كُنْتُ أَعْلَمُ أَنَّهَا أَصْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ لَا أَشْكُ فِيهَا، لِأَنَّ جَبْرئيلَ لَمْ يَكُنْ فِي مِثْلِ تِلْكَ اللَّيْلَةِ يَفَارِقُ النَّبِيَّ (ص) وَ لَقَدْ رَأَيْتُ بَكَاءَ مِنْهَا أَحْسَبُ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ قَدْ بَكَتَ لَهَا، ثُمَّ قَالَ لَهَا، يَا بَنِيَّ!

اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ خَلِيفَةٍ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَقَدْ بَكَى لِبَكَائِكَ عَرْشُ اللَّهِ وَ مَا حَوْلَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَا فِيهِمَا يَا فَاطِمَةُ!

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَقَدْ حَرَمْتَ الْجَنَّةَ عَلَى الْخَلَائِقِ حَتَّى أَدْخِلَهَا وَ أَنْتَ لِأَوَّلِ خَلْقِ اللَّهِ يَدْخُلُهَا بَعْدِي كَأَسِيهِ حَالِيهِ نَاعِمَهُ يَا فَاطِمَةُ!

هَنِيئًا لَكَ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ أَنْتَ لِسَيِّدِهِ مِنْ يَدْخُلُهَا مِنَ النِّسَاءِ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ أَنْ جَهَنَّمَ لَتَزْفِرُ زَفْرَهُ لَا يَبْقَى مَلِكٌ مَقْرَبٌ وَ لِأَنْبِيٍّ مَرْسَلٌ أَلَّا صَعَقَ، فَيُنَادِي إِلَيْهَا أَنْ يَا جَهَنَّمَ! يَقُولُ لَكَ الْجَبَّارُ:

إِسْكُنِي بَعْزَى وَ اسْتَقْرِي حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (ص) إِلَى الْجَنَانِ، لَا يَغْشَاهَا قَتْرٌ وَ لَا ذُلٌّ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِيَدْخُلْنَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ، حَسَنٌ عَنْ يَمِينِكَ وَ حُسَيْنٌ عَنْ يَسَارِكَ وَ لَتَشْرَفَنَّ مِنْ أَعْلَى الْجَنَانِ بَيْنَ يَدَيَّ اللَّهُ فِي الْمَقَامِ الشَّرِيفِ وَ لَوَاءَ الْحَمْدُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) يَكْسِي إِذَا كَسَيْتَ وَ يَحْبِي إِذَا حَبَيْتَ، وَالَّذِي

بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِأَقُومَنَّ بِخُصُومِهِ أَعْدَائِكَ وَ لِيَنْدَمَنَّ قَوْمٌ أَخَذُوا حَقَّكَ وَ قَطَعُوا مَوَدَّتَكَ وَ كَذَبُوا عَلِيَّ وَ لِيَخْتَلِجَنَّ دُونِي فَأَقُولُ: أُمَّتِي أُمَّتِي فَيُقَالُ:

إِنَّهُمْ بَدَلُوا بَعْدَكَ وَ صَارُوا إِلَى السَّعِيرِ (137) «.

امام کاظم (ع) از پدران خود (ع) نقل فرمودند:

در شبی که صبح آن پیامبر (ص) از دنیا رفتند پیامبر (ص) حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را خواستند و در را به روی بقیه بستند. ابتدا فاطمه زهراء (س) را صدا نمودند و مدتی طولانی از شب را با او خلوت نمودند. وقتی این ملاقات طول کشید، حضرت امیر (ع) همراه با فرزندان بیرون آمدند و در آستان در ایستادند. مردم نیز پشت در ایستاده بودند، زنان پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) و فرزندان ایشان نگاه می کردند.

عایشه به حضرت امیر (ع) گفت:

چرا رسول خدا (ص) شما را در این ساعت مهم از اطاق بیرون کردند و با دخترش خلوت نمودند؟

امیرالمؤمنین (ع) به او فرمودند:

من از آنچه در خلوت می گذرد با خبرم!

آنها درباره مسائلی که تو و پدرت و دو یار پدرت به وجود خواهید آورد، سخن می گویند.

حضرت علی (ع) گفتند:

پیش پیامبر (ص) آمدم، ایشان در حال جان دادن بودند، نتوانستم خودم را کنترل کنم و به این حال پیامبر گریستم.

پیامبر (ص) فرمود:

علی جان!

الآن زمان گریه ی تو نیست، من به سوی خداوند و نعمتهای او می شتابم، اما گریه و غم و غصه من برای تو و همسرت می باشد پس از من، حق شما را ضایع می کنند و همگی بر شما ظلم روا می دارند.

ای علی!

من فاطمه (س) را به مطالبی وصیت کردم و چیزهایی به او گفته ام که برایت بگویم، هرچه فاطمه (س) گفت،

آن را تنفیذ کن، زیرا او بسیار راستگو و صادق است.

سپس زهرا را در آغوش گرفت و سرش را بوسه زد و فرمود:

فاطمه جان!

پدرت فدایت باد. صدای گریه زهرا (س) بلند شد.

پیامبر (ص)، زهرا (س) را به سینه خود چسباند و فرمودند:

اما زهرای من!

خداوند انتقام شما را از آنان می گیرد و خداوند به غضب تو غضبناک می گردد. جهنم، منزلگاه این ظالمان باد، سپس رسول خدا (ص) گریستند.

به خدا قسم!

گمان می کردم بخشی از وجودم در گریه پیامبر (ص) از دست رفت، مانند ابر بهاری گریه می کردند تا آنکه صورت و محاسنشان از اشک تر شد.

پیامبر (ص) از فاطمه (س) جدا نمی شد. سر مبارک پیامبر (ص) بر روی سینه من بود حسن و حسین (ع) پاهای آن حضرت را بوسه می زدند و با صدای بلند گریه می کردند. اگر بگویم جبرئیل آنجا بود، دروغ نگفته ام، زیرا صدای گریه و زاری می شنیدم که برایم آشنا نبود، اما کسی را نمی دیدم، شک ندارم که صدای فرشته ای بود و مگر می شود، جبرئیل در این شب هولناک یار دیرینه ی خود را تنها بگذارد؟!

آن شب، فاطمه زهراء (س) چنان گریه می نمودند که گمان می کنم زمین و آسمان بر او ناله و گریه می کردند، سپس پیامبر (ص) فرمود:

ای دخترم!

خداوند پشتیبان شما خواهد بود.

به همان خدایی که مرا برانگیخت، عرش خداوند و آنچه در اطراف اوست، از زمین و آسمان و ما بین این دو، از گریه تو گریستند. به همان خدایی که مرا برانگیخت، بهشت بر مردم حرام است، تا آنکه من وارد بهشت گردم و پس از من، تو اولین کسی هستی که بر بهشت قدم می نهی.

فاطمه جان!

گوارایت باد. به همان خدایی که

مرا برانگیخت، تو سرور زنان بهشت هستی. به همان خدایی که مرا برانگیخت، جهنم شعله ای می کشد که هیچ پیامبر و یا فرشته مقربی از هراس او در امان نیست و همگی بی هوش می شوند، یک منادی صدا می زند:

ای جهنم! خداوند به تو می گوید:

آرام باش تا فاطمه (س)، دختر محمد (ص)، عبور نماید و به بهشت روانه گردد، هیچ دود و آتشی به او آسیب نمی رساند. به همان خدایی که مرا برانگیخت، حسن (ع) از طرف راست و حسین (ع) از طرف چپ، تو را همراهی می کنند و به بالاترین مکان بهشت در پیشگاه خداوند متعال، در مقامی شریف در کنار علی بن ابی طالب (ع) جای می گیرید.

به همان خدایی که مرا برانگیخت، از دشمنانت دادخواهی خواهیم نمود و کسانی که حق تو را غصب کردند، رشته محبت ترا بریدند، بر من دروغ بستند، همه را پشیمان و خجل خواهیم نمود. پس می گویم:

«ای امت من! ای امت من!»

جواب می رسد:

امت، پس از شما دگرگون شدند و جهنمی گشتند.»

۲۰- صدوقه

اشاره

از نظر لغت در نام صدیقه اشاره شد (138).

فاطمه زهرا (س) در گفتار و کردار به حدی راستگو و درست کردار بوده اند که برای این صفت ایشان، دارای چندین لقب می باشند. مانند، صادق، صدیقه و صدوقه.

علی جان! هرچه زهرا گفت تنفیذ کن!

پیامبر (ص) فرمودند:

«...یا علی!

إنی قد اوصیت فاطمه ابنتی بأشیاء و أمرتها أن تلقیها إلیک فانفذها، فهی الصادقه «الصدوقه»، ثم ضمها إلیه و قبل رأسها و قال:

فداک أبوک یا فاطمه...»!

ای علی!

من فاطمه (س) را به مسائلی وصیت کردم و مطالبی را به او گفته ام که برایت بگویند، هرچه فاطمه (س) گفت، آن را تنفیذ کن، زیرا او بسیار راستگو و صادق است.

سپس زهرا (س) را در آغوش گرفت و سرش را بوسه زد و فرمود:

فاطمه جان! پدرت فدایت باد (139) .»

۲۰- طیبه

اشاره

طاب، طیباً و طاباً و طیبه و تطیباً: لذّ و حلا و حسن و جاد، الطیب،

طیبه: ذوالطیبه، خلاف الخبیث، الحلال، یقال:

«کلمه طیبه» إذا لم یکن فیها مکروه، یقال:

«بلده طیبه»، آی، آمنه، کثیره الخیر.

زن پاک و طاهر را طیبه گویند. در افرادی عادی منظور از پاکی، طهارت ظاهری می باشد، اما در مورد حضرت زهراء (س) هم طهارت ظاهری و هم پاکی معنوی مراد است.

طهارت ظاهری، یعنی ایشان هیچگاه خون حیض و نفاس نمی دیدند و پاکی باطنی، یعنی حضرت فاطمه (س) به هیچ گناهی آلوده نشدند و هیچگاه فکر معصیت نیز نکردند.

## فاطمه ی زهرا (س) پاکیزه از هر بدی و آلودگی

«...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ «الطَّيِّبَةَ» الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ الَّتِي إِنْتَجَبْتَهَا وَطَهَّرْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»...

خداوندا!

بر فاطمه ای که پاک و پاکیزه از هر آلودگی است، درود فرست، همان فاطمه ای که خود، او را انتخاب نمودی و از هر آلودگی رهاش دادی و او را بر همه ی زنان عالم برتری بخشیدی (140)».

## ۲۱- عارفه

اشاره

عَرَفَ، عَرَفَهُ عَرِفَانًا وَ عَرِفَانًا وَ مَعْرِفَهُ الشَّيْءَ: علمه، بذنبه: أقرّ،

العارف: إسم فاعل، يقال «هذا أمر عارف»، أي، معروف،

العُرف: ضد النكر،

المَعْرِفَةُ: إدراك الشئ ء على ما هو عليه.

زنی را که دارای شناختی نیکو از معارف حقه باشد، عارفه گویند. و در اینجا زهراء (س) زنی آگاه به حق پیامبر (ص) معرفی شده است، یعنی فاطمه زهراء (س) شناختی کامل از پیامبر اکرم (ص) دارند.

## فاطمه ی زهرا (س) آگاه به حق پیامبر اکرم (ص)

«...السلام عليك و على ولدك و رحمه الله و برکاته أشهد أنك أحسنت الكفاله و أدیت الأمانه و إجتهدت في

مرضات الله و بالغت في حفظ رسول الله (ص)، «عارفه» بحقه، مومنه بصدق، معترفه بنبوته، مستبصره بنعمته،...»

درود بر تو (ای فاطمه زهرا!) (س)

و درود بر فرزندان تو، رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

گواهی می دهم که سرپرستی از رسول الله را نیکو به جای آوردی، حق امانت را، ادا نمودی در حالی که حق او را به

خوبی شناختی و به راستگویی ایشان ایمان داری و به نبوتش اعتراف داری (141)».

عَلَا، عَلُوًّا وَّ عَلِيًّا، عَلَاءٌ، الشَّيْءُ، أَوْ النَّهَارُ: إِرْتِفَاعٌ وَ فِي الْمَكَارِمِ: إِشْرَافٌ،

العالی:

رجل عالی الکعب: شریف، يقال:

«أُتِيَتْهُ مِنْ عَالٍ»، أَيْ، مِنْ فَوْقِ،

عالیه الشیء: أَرْفَعَهُ.

زنی کہ بلند مرتبه باشد، عالیہ گویند. زهراء (س) برترین خلق است همچون شوهرش، کہ عالی و بلند مرتبه است، او نیز عالیہ و بلند مرتبه می باشد.

فاطمه ی زهرا (س) زنی عالیقدر و بلند همت

...«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّيِّدَةِ الْمَفْقُودَةِ الْكَرِيمَةِ الْمَحْمُودَةِ الشَّهِيدَةِ «العالیه» الرَّشِيدَةِ»...

خداوندا!

بر سرور بانوان کہ (قبرش) از دیدگان پنهان شده، زنی باکرامت و پسندیده، زنی شهیده در راه خدا، زنی بلند همت و رشیده درود فرست (142) «».

عَدْلٌ، عَدْلًا السَّهْمُ وَ نَحْوَهُ، الْعَدْلُ: النَّظِيرُ وَ الْمَثَلُ،

العدیل: النَّظِيرُ وَ الْمَثَلُ، الْمَعَادِلُ فِي الْحَمْلِ وَ الْمَرْكَبِ.

فاطمه ی زهرا (س) در نہایت پاکی و طہارت بودند و از آنجا کہ پاکی و طہارت حضرت مریم (س) در قرآن مطرح شدہ است، گفتہ اند:

فاطمه ی زهرا (س) در پاکدامنی عدیلہ و همسان مریم است.

فاطمه زهرا (س) همسان حضرت مريم (س)

عن ذو النون المصرى قال:

«خرجت فى بعض سياحتى حتى كنت ببطن السماوه (١٤٣) فأفضى لى المسير إلى تدمر (١٤٤) فرأيت بقربها أبنيه عاديه قديمه فساورتها فإذا هى من حجاره منقوره فيها بيوت و غرف من حجاره و أبوابها كذلك بغير ملاط و أرضها كذلك حجاره صلده فيينا أجول فيها إذ بصرت بكتابه غريبه على حائط منها فقرأته فإذا هو:

أنا ابن منى و المشعرين و زمزم و مكه و البيت العتيق المعظم

و جدى النبى المصطفى و أبى الذى ولايته فرض على كل مسلم

و أمى البتول المستضاء بنورها إذا ما عددناها عديله مريم

و سبطا رسول الله عمى و والدى و أولاده الأطهار تسعه أنجم

متى تعتلق منهم بحبل ولايه تفر يوم يجزى الفائزون و تنعم

ائمه هذا الخلق بعد نبيهم فإن كنت لم تعلم بذلك فاعلم

أنا العلوى الفاطمى الذى إرتمى به الخوف و الأيام بالمرء ترتمى

فضاقت بى الأرض الفضاء برحبها و لم أستطع نيل السماء بسلم

فألهمت بالدار التى أنا كاتب عليها بشعرى فإقرأ إن شئت و ألمم

و سلم لأمر الله فى كل حاله فليس أخو الإسلام من لم يسلم

قال ذوالنون: فعلمت أنه علوى قد هرب و ذلك فى خلافه هارون و وقع إلى ما هناك فسألت من ثم، من سكان هذه

الدار و كانوا من بقايا القبط الأول هل تعرفون من كتب هذا الكتاب؟

قالوا:

لا والله ما عرفناه إلا يوماً واحداً فإنه

نزل بنا فأنزلناه فلما كان صبيحه ليلته غداً فكتب هذا الكتاب و مضى قلت:

أى رجل كان؟

قالوا:

رجل عليه أظمار رثه تعلوه هيبه و جلاله و بين عينيه نور شديد لم يزل ليلته قائماً و راکعاً و ساجداً الى أن إنبلج له الفجر فكتب و إنصرف (145) .

ذوالنون مصری می گوید:

برای سیاحت و سیر و سفر به قصد شهری در عراق (سماوه) از مصر خارج شدم، در مسیر به شهری در سوریه رسیدم، در نزدیکی این شهر خانه هایی قدیمی دیدم که عادی بودند، وقتی این خانه ها را دور زدم و داخل آنها شدم، همه ی منازل از سنگ بود، اطاقها و سقفها و دیوارها از سنگ بودند به گونه ای که آنها را به صورت منزل تراشیده بودند. در میان این اطاقها می گشتم ناگاه نوشته ای را به دیوار آن دیدم، آن را خواندم، این شعر بود:

من فرزند منی و مشعر و زمزم و مکه و خانه کعبه هستم.

جد من پیامبر اکرم محمد مصطفی (ص) است.

پدرم آن کسی است که ولایتش بر هر مسلمانی واجب است.

مادرم بتول (س) بود هم او که از درخشش صورتش همه جا نورانی می گشت، همان زنی که در پاکی همانند مریم (س) بود.

دو فرزند پیامبر (حسن و حسین (ع)) عمو و پدرم هستند، همانهایی که نه (۹) فرزندشان ستاره های درخشان آسمان ولایتند.

هرگاه کسی به ریسمان ولایت آنان چنگ زند در زمانی که رستگاران نجات یابند، آنان نیز از آتش رها گشته و در بهشت متنعم می شوند.

اینان پیشوایان دین، پس از رسول الله هستند اگر این مطلب را نمی دانی بدان و آگاه باش، من فرزند علی و فاطمه هستم...

«ذوالنون گوید:

دانستم که این نوشته ی یکی از فرزندان علی (ع)

است که به آنجا گریخته و این واقعه در زمان حکومت هارون بوده است.

از ساکنین آنجا سؤال نمودم:

آیا می دانید چه کسی این مطلب را نوشته است؟



گفتند:

نه، ما او را نمی شناسیم، او یک شب آمد ما او را منزل دادیم و فردای آن شب، این نوشته را نوشت و رفت.

گفتم:

چگونه مردی بود؟

گفتند:

مردی با هیبت و جلالت، که از میان دو چشمش نوری درخشان بود، شبی که در اینجا بود، یا در رکوع بود و یا سجود و یا قیام، تا صبح شد، آنگاه این مطالب را نوشت و رفت.

(در ذیل روایت، علامه ی مجلسی احتمال داده اند نویسنده ی آن شعر، امام کاظم (ع) باشند».)

۲۴- عذراء

اشاره

العذراء: البکر، الدرّه لم تُثقب، العذره: البکاره،

العذری: ما کان علی عفاف،

عذره، عذُر، عذراء در لغت دوشیزگی را گویند.

عذراویه، یعنی بکارت و دوشیزگی.

در روایات، فاطمه ی زهراء (س)، «حوریّه انسیّه» معرفی شده است و حورالعین به تصریح قرآن دائماً باکره هستند، «إنا أنشاناهنّ إنشاءً فجعلناهنّ أبکاراً.»

فاطمه ی زهراء (س) همیشه باکره بودند.

فاطمه زهرا (س) همیشه باکره بودند

عن علی بن ابی طالب (ع) قال:

قال النبی (ص):

«...وأتقرب إليك بخیره الأخیار و أمّ الأنوار و الإنسیه الحوراء البتول «العذراء» فاطمه

الزهراء»...

امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

پیامبر اکرم (ص) به درگاه خداوند رو آورده و عرضه داشتند:

...خداوندا!

برای نزدیک شدن به تو، بهترین زن برگزیده، مادر نورهای مقدس (ائمه ی اطهار)، زنی فرشته خصال، همیشه پاک و زنی که همیشه باکره بود، یعنی فاطمه ی زهرا (س) را شفیع قرار می دهیم (146) .»

## ۲۵- عزیزه

عَزَّ، عِزًّا و عِزَّةً و عَزَّاه: صار عزیزاً، ارجمند گردید. و عِزًّا علیه: کرم، العِزَّة: خلاف الذَّل، العزیز: الشریف، المکرم، العزیزه: زن گرانقدر.

زن ارجمند و گرانقدر و زنی که عزت نفس خویش را حفظ نماید و در پیش نامحرمان سبک سر نباشد، «عزیزه» گویند.

## فضیلت فاطمه زهرا (س) در روز قیامت

فقال سلمان (لرسول الله (ص)):

«یا مولای!

سألتک بالله إلیأ أخبرتنی بفضل فاطمه (س) یوم القیامه؟

قال:

فأقبل النبیّ (ص) ضاحکاً مستبشراً ثم قال:

والذی نفسی بیده أنها الجاریه الّتی تجوز فی عرصه القیامه علی ناقه ... علیها هودج من نور، فیه جاریه إنسیه حوریه «عزیزه» ... جبرئیل عن یمینها و میکائیل عن شمالها و علی أمامها و الحسن و الحسین (ع) وراءها واللّٰه یکلاها و یحفظها، فیجوزون فی عرصه القیامه فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله:

معاشر الخلائق!

غضوا أبصارکم و نکسوا رؤوسکم، هذه فاطمه (س)، بنت محمد نبیکم زوجه علی أمامکم ام الحسن و الحسین (ع)، فتجوز الصراط و علیها ریطتان بیضاوان فإذا دخلت الجنة و نظرت إلی ما أعدّ الله لها من الکرامه، قرأت:

«بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور الذي احلنا دار المقامه من فضله لا يمسننا فيها نصب و لا يمسنا فيها لغوب»

قال:

فيوحى الله عزّ و جل إليها

يا فاطمه!

سلينى أعطك و تمنى على أرضك فتقول:

إلهى أنت المنى و فوق المنى أسألك أن لا تعذب محبى و محبى عترتى بالنار فيوحى الله إليها يا فاطمه!

و عزّتى و جلالى و إرتفاع مكانى! لقد أليت على نفسى من قبل أن أخلق السماوات و الارض بألفى عام أن لا أعذب محبىك و محبى عترتك بالنار.

...سلمان رضى الله عنه عرضه داشت:

مولای من!

تو را به خدا قسم می دهم، از مقام حضرت زهراء

(س) در روز قیامت، مرا آگاه کن.

پیامبر اکرم (ص) خندان جلو آمدند، فرمودند:

به خدایی که جانم در دست اوست، فاطمه ی زهرا (س) از عرصه قیامت عبور می کنند، در حالی که بر شتری نشسته اند و بر آن شتر هودجی از نور است، داخل آن، بانویی (انسیه، حوراء، عزیزه) نشسته، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ، امیرالمؤمنین (ع) پیشاپیش و حسنین (ع) پشت سر حضرت زهراء (س) در حرکتند. خداوند نیز آن حضرت را محافظت می کند. آنها از عرصه ی قیامت عبور می نمایند. ناگهان از طرف خداوند ندایی به گوش می رسد:

ای مردم!

چشمهایتان را ببندید، سرهایتان را به زیر اندازید، این، فاطمه (س)، دختر حضرت محمد (ص)، پیامبر شما و همسر علی (ع)، امام شماست، مادر حسن و حسین (ع) است.

پس حضرت فاطمه ی زهراء (س) از پل صراط می گذرد. آنگاه که داخل بهشت می شود و به آنچه خداوند برای او آماده کرده است نظر می افکند، می گوید:

«بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى اذهب عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور الذى احلنا دار المقامه من فضله لا يمسنا فيها نصب و لا يمسنا فيها لغوب» خداوند به او وحی می کند:

«ای فاطمه!

اگر از من درخواستی داری، بگو که بر تو ارزانی خواهم داشت.» فاطمه (س) عرض می کند:

من تو را می خواهم، که بالاترین درخواستم، در حضور تو بودن است.

و درخواست دارم که دوستانم و دوستان اهل بیتم را عذاب نکنی. خداوند وحی می فرستد: ای فاطمه!

به عزت و جلالم، به مقام خداوندی خودم قسم!

دو هزار سال پیش از آنکه زمین و آسمان را خلق کنم، بر خود عهد نمودم که عاشقان تو و دوستان فرزندان را عذاب نکنم (147).

۲۶ - علیمه

اشاره

عَلِمٌ، عَلِمًا،

الرَّجُلُ: حصلت له حقیقه العلم،

العَلِمُ: إدراك الشیء بحقیقته،

العَلِیمُ: المتصف بالعلم.

زنی را که دانش فراوان داشته باشد، «علیمه» گویند. صدیقه کبری (س) بر همه علوم، آگاه بودند، تا آنجا که ائمه ی اطهار (س) برای روشن شدن حوادث آینده، به «صحیفه ی فاطمیه» مراجعه می کردند.

فاطمه (س) بانوی دانشمند مدینه

«السلام علیک أيتها المحدثه «العلیمه.»»

سلام و درود بر تو ای خانمی که حدیث گوی و دانشمند بودی (148) «!»

## ۲۷- فاضله

### اشاره

فَضِلَ وَ فُضِّلَ، فَضْلاً - كان ذا فضل، كان ذا فضيله،

الْفَضْل: الإحسان أو الإبتداء، به بلا عله له،

فاضل: ذوالفضل، ذوالفضيله،

الفاضله:

الدرجه الرفيعه فى الفضل.

زنى را كه داراى منقبت و فضيلتى باشد، فاضله گویند. زهراء (س) عين فضيلت است.

و به قول شاعر:

أ تريد أن تحصى فضائل فاطم نقد الحساب و فضلها لم ينفد

شمارش اوصاف فاطمه زهرا (س) تمام نخواهد شد، اما اعداد به اتمام خواهد رسید.

فاطمه ی زهراء (س) زنى با فضيلت

...«السلام عليك أيتها «الفاضله» الزكيه»...

دروء بر تو اى زن با فضيلت و اى زنى كه از هر آلودگى خود را پاك نموده اى (149).»

## ۲۸- فریده

### اشاره

الفرید:

الواحد، المتفرّد، الذى لا نظير له، الشدره ت فصل الذهب و اللؤلؤ، الدر إذا نظم و فصل بغيره، الجوهره النفيسه، الفریده:

مؤنث الفرید، يقال:

أتى بالفرائد، أى، بألفاظ تدل على عظم فصاحته و جزاله منطقه و إصالة عربيته.

هر چیز كه مانند درّ و گوهر نایاب و نفیس باشد، فرید و فریده گویند.

فاطمه زهرا (س)، گوهری بی نظیر در میان تمام زنان جهان است، لذا شایسته است او را فریده بنامیم. زنی که تنها و بی یاور بماند، مانند گوهری است دور از دست دیگران، همچون فاطمه زهرا (س) که پس از پیامبر بی یار و یاور ماند، لذا یکی از القاب ایشان فریده می باشد، چنانچه در روایت ذیل ذکر می آید.

**فضّه از تنهایی حضرت فاطمه ی زهراء (س) خبر می دهد**

روی ورقه بن عبدالله الأزدی قال:

«خرجت حاجاً إلى بيت الله الحرام راجياً لثواب الله ربّ العالمين. فبينما أنا أطوف و إذا أنا بجارية سمراء و مليحة الوجه، عذبه الكلام و هي تنادى بفصاحه منطلقها و هي تقول:

«اللهم ربّ الكعبه الحرام و الحفظه الكرام و زمزم و المقام و المشاعر العظام و ربّ محمد خير الأنام (ص) البرره الكرام أسالك أن تحشرني مع ساداتي الطاهرين و أبنائهم الغر المحجلين الميامين». [ألا فاشهدوا يا جماعه الحجاج و المعتمرين!

إن موالى خيره الأخيار و صفوه الأبرار و الذين علا قدرهم على الأقدار و إرتفع ذكرهم فى سائر الأمصار المرتدين بالفخار.

قال ورقه بن عبدالله فقلت يا جاريه! إنى لأظنك من موالى أهل البيت (ع) فقالت:

أجل. قلت لها:

و من أنت من موالىهم؟

قالت:

أنا فضه أمه فاطمه الزهراء إبنه محمد المصطفى صلى الله عليها و على أبيها و بعلمها و بنيتها، فقلت لها:

مرحباً بك و أهلاً و سهلاً فلقد كنت مشتاقاً إلى كلامك و منطلقك فاريد منك الساعه

أن تجيبني من مسأله أسالك فإذا أنت فرغت من الطواف ففى لى عند سوق الطعام حتى آتيك و أنت مثابه مأجوره. فإفترقنا، فلما فرغت من الطواف و أردت الرجوع إلى منزلى جعلت طريقى على سوق الطعام و إذا أنا بها جالسه فى معزل عن الناس فأقبلت عليها و إعتزلت بها و أهديت إليها هديه و لم أعتقد أنها صدقه ثم قلت لها:

يا فضه!

أخبريني عن مولاتك فاطمه الزهراء (س) و ما الذى رأيت منها عند وفاتها بعد موت أبيها محمد (ص) قال ورقه: فلما سمعت كلامى تغرّ غرت عيناها بالدموع، ثم إنتحبت نادبه و قالت:

يا ورقه بن عبدالله! هيجت على حزناً ساكناً و اشجاناً فى فؤادى كانت كامنه فإسمع الآن ما شاهدت منها (س) أعلم أنه لما قبض رسول الله (ص) إفتجع له الصغير و الكبير و كثر عليه البكاء عليه البكاء و قلّ العزاء و عظم رزوه على

الأقرباء و الأصحاب و الأولياء و الأحباب و الغرباء و الأنساب و لم تلقِ إلّا كلّ بك و باكيه و نادب و نادبه و لم يكن في أهل الأرض و الأصحاب و الأقرباء و الأحباب أشدّ حزناً و أعظم بكاءً و إنتحاباً من مولاتي فاطمه الزهراء (س) و كان حزنها يتجدّد و يزيد و بكاؤها يشتدّ فجلست سبعة أيام لا يهدأ لها أنين و لا يسكن منها الحنين كل يوم جاء كان بكاؤها اكثر من اليوم الأوّل فلما في اليوم الثامن أبدت ما كتمت من الحزن فلم تطق صبراً إذ خرجت و صرخت فكانها من فم رسول الله (ص) تنطق فتبادرت النسوان و خرجت الولائد و الوالدان و ضجّ الناس بالبكاء و النحيب و جاء الناس من كل مكان و اطفئت المصابيح

لكيلا تتبين صفحات النساء و خيل إلى النسوان أنّ رسول الله (ص) قد قام من قبره و صارت الناس في دهشه و حيره لما قد رهقهم و هي (س) تنادي و تندب أباه و أبتاه واصفياً وامحمّداه و ابالقاسماه و اربيع الأرامل و اليتامى من للقبله و المصلى و من لابنتك الوالهه الثكلي، ثم أقبلت تعثر في اذيالها و هي لا تبصر شيئاً من عبرتها و من تواتر دمعتهما حتى دنت من قبر أبيها محمد (ص) فلما نظرت إلى الحجره وقع طرفها على الماذنه فقصرت خطاها و دام نحيبها و بكاها الى ان اغمى عليها فتبادرت النسوان إليها فنضحن الماء عليها و على صدرها و جبينها حتى أفاقت فلما افاقت من غشيتها قامت و هي تقول رفعت قوتي و خانني جلدي و شمت بي عدوى و الكمد قاتلي.

يا أبتاه!

بقيت والهه وحيده و حيرانه «فريده» فقد إنخمد صوتي و انقطع ظهري و تنغص عيشي و تكدر دهرى فما أجد

يا أبتاه!

بعدك أنيساً لوحشتي و لا راداً لدمعتي و لا معيناً لضغفي فقد فتى بعدك محكم التنزيل و مهبط جبرئيل و محلّ ميكائيل  
إنقلب بعدك

يا أبتاه!

الأسباب و تغلقت دوني الأبواب فأنا للدنيا بعدك قاله و عليك ما ترددت أنفاسي باكيه لا ينفد شوقى إليك و لا حزنى عليك (150) ...»

ورقه بن عبدالله ازدي مى گوید:

از منزل خارج شدم و به امید ثواب و اجر خداوند متعال، برای انجام مناسک حج به زیارت بیت الحرام مشرف شدم. در حالی که طواف می کردم خانمی سبزه رو، شیرین گفتار و خوش کلام دیدم که با لهجه ای فصیح ندا می داد:

«اللهم رب الكعبه الحرام و الحفظه الكرام و زمزم و المقام و المشاعر العظام و ربّ محمد خير الأنام

(ص) البرره الكرام أسالك أن تحشرنى مع ساداتى الطاهرين و أبنائهم الغرّ المجلّين الميامين.»

ای حجاج!

آگاه باشید که بزرگان من از بهترین مردم بودند، از برگزیدگان خوبان بودند، کسانی که عظمت آنها بر هر عظمتی، برتری داشت، لباس فخری که بر تن داشتند، در هر زمانی یاد آنها را زنده داشت.

به او گفتم:

ای خانم!

گمان می کنم از خدمتکاران اهل بیت (ع) باشی. جواب داد:

بلی.

گفتم:

خدمتکار چه کسی از اهل بیت بودی؟

گفت:

من فضا هستم، خدمتکار فاطمه ی زهرا (س)، دختر حضرت محمد (ص) که بر او و شوهر و دو فرزندش درود باد!

بدو گفتم:

آفرین بر شما!

من بسیار مشتاق بودم تا سخنان شما را بشنوم، خواهان فرصتی هستم تا مطلبی را با شما در میان بگذارم، هرگاه از طواف فارغ شدم، در بازار غذا فروشان بایستید تا من بیایم، خداوند به شما ثواب و اجر عنایت کند. این کلام را که گفتیم، از همدیگر جدا شدیم.

«زمانی که از طواف فارغ شدم و می خواستم به منزل مراجعت کنم، راهم را به طرف بازار طعام قرار دادم، ایشان را یافتم و در کنارش، به دور از مردم نشستم و هدیه ای به او دادم که مرادم صدقه نبود.

به او گفتم:

ای فضا!

از بانوی خود فاطمه ی زهرا (س) برایم بگو، بعد از رحلت پدرش، حضرت محمد (ص) و هنگام شهادت حضرت فاطمه ی زهراء (س) چه دیدی؟

«ورقه می گوید:

زمانی که فضا این سخن مرا شنید چشمانش پر از اشک شد، ناله ای سر داد و گفت:



ای ورقه بن عبدالله!

غم و اندوهی را که مدتی فراموش شده بود تازه نمودی. غم جانکاهی که در قلبم پنهان کرده بودم، آشکار کردی، پس بشنو که از آن بانو (س) چه دیدم.

«آنگاه که پیامبر (ص)

از دنیا رفتند، کوچک و بزرگ در مصیبت او فرو رفتند، گریه ی بر او بسیار بود و تسلی دهنده و آرامشی در میان نبود.

این مصیبت بر خویشاوندان و اصحاب و دوستان و حتی غریبه ها سنگین بود، با کسی برخورد نمی کردی مگر اینکه گریان بود و ناله سر می داد. در بین تمام اهل زمین از اصحاب و دوستان و خویشاوندان، کسی از بانویم فاطمه ی زهرا (س) اندوه و گریه و ناله ی بیشتر نداشت.

غم و اندوه او زیاد می گشت و تازه می شد و گریه ی او شدت می یافت. هفت روز صبر نمودیم، ناله ها و فریادهای او خاموش نگشت، هر روز که می آمد، گریه ی او از روز پیشین بیشتر می شد، روز هشتم که رسید، آنچه از غم و اندوه پنهان نموده بود، به یکباره آشکار کرد. طاقت صبر و شکیبایی نداشتند، از خانه خارج می شدند و ناله سر می داد، به گونه ای سخن می گفتند که گویی پیامبر (ص) سخن می گویند، زنها به سوی او شتافتند و فرزندان، از خانه ها خارج شدند، مردم ناله سر می دادند و گریه می کردند، مردم از همه جا جمع شدند، چراغها را خاموش کردند تا کسی صورت زنها را نبیند، زنان گمان می کردند پیامبر (ص) از قبر بیرون آمده، همه در وحشت و اضطراب به سر می بردند، فاطمه ی زهراء (س) ناله و فریاد می زد:

وامحمداه!

وا ابالقاسماه!

«گامهایشان لغزان شد، از بس گریه می کردند و اشک، مدام از چشمانشان جاری بود، دیگر جایی را نمی دیدند. جلو آمدند تا نزدیک قبر پیامبر (س) شدند، پس نگاهی به حجره انداختند، همان جا که در کنارش مأذنه قرار داشت، گامهایشان را کوتاه برمی داشتند، گریه و ناله شان ادامه داشت تا اینکه بی هوش شدند،

زنان به طرف او دویدند، آب بر سر و روی او ریختند تا به هوش آمد، زمانی که به هوش آمدند، ایستادند و عرضه داشتند:

توانم ناتوان شده است، بدنم یاریم نمی کند، دشمنم سرکوفت می زند، غم و اندوه مرا می کشد.

پدرجان!

تنها، با غم بسیار، حیران و مضطرب مانده ام. صدایم خاموش شده، پشتم شکسته، زندگی ام نابود شده، روزگارم تیره و تار است.

پدر جان!

بعد از تو هیچ مونسى به هنگام تنهائی ام ندارم. كسى نیست كه اشكهايم را بزدايد، كمكى براى ناتوانى هايم نمى يابم، بعد از تو فراموش شد كه قرآن بر ما نازل شده، خانه ما محل رفت و آمد جبرئيل بوده، ميكائيل به منزل ما مى آمده.

پدر جان!

بعد از تو همه چيز دگرگون شد، درها همه بر رويم بسته است، بعد از تو ديگر هيچ مهري بر اين دنيا ندارم، هميشه بر تو گريانم شوق دیدار تو و غم جانكاه رفتنت، هيچگاه از من جدا نمى شود.»

۲۹- کریمه

اشاره

كْرَمٌ، كَرَمًا و كَرَمَه و كَرَامَه: أعطى السهوله و جاد، ضد لؤم،

الكريم: ذوالكْرَم، يقال «رجل كريم»، أى، سخى معطاء، يطلق «الكريم» من كل شىء على أحسنه و على كل ما يرضى و يحمد فى بابه،

الكريمه: ذوالكرم و الحسب،

يقال: «فلان كريمه قومه»، أى: كريمهم و شريفهم.

زنى كه اهل بخشش و كرم باشد، كريمه ناميده مى شود. زهراء (س) عين كرم و بخشش هستند. كسى نیست كه از بخششهاى آن بزرگوار بى خبر باشد. كريمه ي اهل بيت، حضرت فاطمه (س) است.

حتى ائمه ي اطهار (س) نیز هنگام گرفتارى دست به دامان كريمه اهل بيت، فاطمه زهراء (س) مى زدند.

فاطمه ي زهرا (س) اهل جود و كرم

«...اللهم صلّ على السيدة المفقوده «الكريمه» المحموده الشهيده العالیه الرشیده»...

خداوندا!

بر سرور بانوان كه (قبرش) از دیدگان پنهان شده، زنى با كرامت و پسندیده، زنى شهیده در راه خدا، زنى بلند همت و رشیده درود فرست (151) «.

الكوثر، فوعل من الكثره و هو الشىء الذى من شأنه الكثره و الكوثر، الخیر الكثير (152).

«كوثر مبالغه در كثر است و به قول زمخشرى «المفرط الكثره»، يعنى چیزی كه كثر آن فزون از حد است.

به يك زن باديه نشين كه پسرش از سفر برگشته بود گفتند:

«بم آب اينك؟»

قالت آب بكوثر» يعنى پسر ت با چه چیز برگشت؟

گفت:

با فايده فزون از حد (كشاف) راغب گوید:

«تكوثر الشىء»، يعنى شىء تا آخرين حد زياد شد. در قاموس و اقرب آمده:

«الكوثر، الكثير من كل شىء»

طبرسى فرموده:

«كوثر چیزی است كه كثر از شأن آن است و كوثر، خير كثير است (153)».

كوثر، وصف است كه از كثر گرفته شده و به معنى خير و برکت فراوان است و به افراد سخاوتمند، كوثر گفته مى شود.

فاطمه ی زهرا (س) خير كثيرى كه به پیامبر (ص) عطا شد

«إنا أعطيناك الكوثر، ما به تو كوثر (خير و برکت فراوان) عطا كرديم.

«فصل لربك وانحر»

اکنون كه چنين است براى پروردگارت نماز بخوان و قربانى كن

«إنَّ شأنك هو الأبتى، مسلماً دشمن تو ابتر و بلا عقب (بدون نسل) است.»

در شأن نزول اين سوره مى خوانيم:

«عاص بن وائل» که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم (ص) را به هنگام خارج شدن از مسجد الحرام ملاقات کرد و مدتی با حضرت (ص) گفتگو نمود، گروهی از سران قریش در مسجد نشستند و این منظره را از دور مشاهده کردند، هنگامی که «عاص بن وائل» وارد مسجد شد به او گفتند:

با که صحبت می کردی؟

گفت:

با این مرد «ابتر!»

این تعبیر را به خاطر این انتخاب کرد که «عبدالله»، پسر پیغمبر اکرم (ص) از دنیا رفته بود و عرب کسی را که پسر نداشت «ابتر» (یعنی بلا عقب) می نامید. و لذا قریش این نام را بعد از

فوت پسر پیامبر (ص) برای حضرت انتخاب کرده بود (سوره فوق نازل شد و پیغمبر اکرم (ص) را به نعمتهای بسیار و کوثر بشارت داد و دشمنان او را ابتر خواند).

توضیح اینکه، پیغمبر اکرم (ص) دو فرزند پسر از بانوی گرامی اسلام، حضرت خدیجه (س) داشتند:

یکی قاسم و دیگری طاهر که او را عبدالله نیز می نامیدند و این هر دو، در مکه از دنیا رفتند و پیغمبر اکرم (ص) فاقد فرزند پسر شد. این موضوع زبان بدخواهان قریش را گشود. کلمه ی «ابتر» را برای حضرتش انتخاب کردند. پیغمبر اکرم (ص) در سال هشتم هجری در مدینه از ماریه ی قبطیه، صاحب فرزند ذکور دیگری به نام ابراهیم شد، ولی اتفاقاً او نیز قبل از آنکه به دو سالگی برسد چشم از دنیا پوشید و وفات او قلب پیامبر (ص) را آزد.

عربها طبق سنت خود برای فرزند پسر اهمیت فوق العاده ای قائل بودند و او را تداوم بخش برنامه های پدر می شمردند. بعد از این ماجرا آنها فکر می کردند با رحلت پیغمبر اکرم (ص) برنامه های او به خاطر نداشتن فرزند ذکور تعطیل خواهد شد و خوشحال بودند.

سوره ی کوثر نازل شد و خداوند در این سوره به طور اعجاب آمیزی به آنها پاسخ گفت و خبر داد که دشمنان او ابتر خواهند بود و برنامه اسلام و قرآن هرگز قطع نخواهد شد. بشارتی که در این سوره داده شد از یک سو ضربه ای بود بر امیدهای دشمنان اسلام و از سوی دیگر تسلی خاطر برای رسول الله (ص) بود که بعد از شنیدن آن لقب زشت و توطئه ی دشمنان، قلب پاکش غمگین و مکدر شده بود (154).

کوثر یک معنی جامع و وسیع

دارد و آن، خیر وسیع و فراوان است و مصادیق آن زیاد است، ولی بسیاری از بزرگان علمای شیعه وجود مبارک فاطمه ی زهراء (س) را یکی از روشنترین مصداقهای آن دانسته اند، چرا که شأن نزول آیه می گوید:

آنها پیغمبر اکرم (ص) را متهم می کردند که بلا عقب است.

قرآن ضمن نفی سخن آنها می گوید:

«ما به تو کوثر دادیم.»

از این تعبیر استفاده می شود که این خیر کثیر، همان فاطمه ی زهرا (س) است، زیرا نسل و ذریه پیامبر (ص) به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت، نسلی که نه تنها فرزندان جسمانی پیامبر (ص) بودند، بلکه آیین او و تمام ارزشهای اسلام را حفظ کردند و به آیندگان ابلاغ نمودند، نه تنها امامان معصوم (ع) که حساب مخصوص به خود دارند، بلکه هزاران نفر از فرزندان فاطمه (س) در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنها علمای بزرگ، نویسندگان، فقها، محدثان، مفسران و الامقام و فرماندهان بزرگی بودند که با ایثار و فداکاری در حفظ آیین اسلام کوشیدند.

در اینجا به بحث جالبی از فخررازی برخورد می کنیم که در ضمن تفسیرهای مختلف کوثر می گوید:

«قول سوم این است که این سوره به عنوان ردّ بر کسانی نازل شده که عدم وجود اولاد را بر پیغمبر اکرم (ص) خرده می گرفتند، بنابراین معنای سوره این است که:

خداوند به او نسلی می دهد که در طول زمان باقی می ماند.

ببینید! چه تعداد از فرزندان حضرت زهرا (س) را شهید کردند، در عین حال جهان مملو از آنهاست؛ این در حالی است که از بنی امیه (که دشمنان اسلام بودند) شخص قابل ذکری در دنیا باقی نمانده، سپس بنگر و بین چقدر از علمای بزرگ

در میان آنهاست مانند «باقر» و «صادق» و «رضا» و «نفس زکیه» (۱۵۵) و (۱۵۶) «...»

کوثری که به پیامبر (ص) عنایت شده است همان کثرت نسل و ذریه آن حضرت است، پس مراد از کوثر یا فقط کثرت ذریه آن حضرت است و یا مراد از کوثر خیر بسیار است، که در ضمن آن کثرت نسل پیامبر (ص) نیز مورد نظر است، زیرا اگر کثرت نسل پیامبر (ص) ملحوظ نباشد، آیه ی اخیر «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

دشمن تو بی نسل خواهد ماند و او ابتر خواهد شد. بدون فایده خواهد بود، پس آیات قبل باید پیرامون نسل پیامبر (ص) باشد، تا این سخن، ابتر بودن دشمن پیامبر (ص) معنا دهد و بی فایده نباشد. (۱۵۷)

۳۱- کوکب

اشاره

کَوْكَبَ الْحَدِيدِ:

برق و توکد،

الكوكب: النجم، الزُّهره، يقال:

«يوم ذو كواكب» إذا وصف بالشده، كأنه أظلم بما فيه من الشدائد حتى رُئيت كواكب السماء.

كوكب، یعنی ستاره درخشان. در روایت، مثل فاطمه زهراء (س) را در بین زنان جهان، مانند ستاره درخشانی معرفی می کند که در میان تمام زنان عالم می درخشند.

**فاطمه ی زهرا (س) ستاره درخشنده**

قال أبو عبد الله (ع):

«فی قول الله تعالى «الله نور السماوات و الأرض مثل نوره كمشكوه» ... فاطمه «كوكب» دُرّی بین نساء أهل الدنيا ...»

امام صادق (ع) درباره سخن خداوند:

«الله نور السماوات و الأرض مثل نوره كمشكوه»

فرمودند:

فاطمه زهراء (س) ستاره ای نورانی در بین زنان اهل دنیا است (158) .»

**۳۲- مبشّره**

**اشاره**

بَشْرَ و بَشْرَ: سُرٌّ، بَشْرَ: فَرَحُه و بَلَّغَه البُشْرَى، البَشِيرِ: مُبَلِّغ البُشْرَى.

زنی را که خبر بشارت دهد، «مبشّره» نامند. زهرا ی مرضیه (س) بشارت دهنده اولیای الهی بوده است.

**فاطمه ی زهرا (س) مزده دهنده اولیای خداوند**

«اللهم صلّ على محمد و أهل بيته و صلّ على البتول الطاهره الصديقه المعصومه التقيه النقيه الرضيه المرضيه الزكيه الرشيده المظلومه المقهوره، المغصوبه حقها، الممنوعه إرثها، المكسور ضلعها، المظلوم بعلمها، المقتول ولدها، فاطمه بنت رسول الله (س) و بضعه لحمه و صميم قلبه و فلذه كبده و النخبه منك له و التحفه خصصت بها وصيه و حبيبه المصطفى و قرينه المرتضى و سيده النساء و «مبشّره» الأولياء، (۱۵۹) حليفه الورع و الزهد و تفاحه الفردوس و الخلد ...»

خداوندا!

بر محمد و اهل بیت او درود فرست و سلام و درود بر خانمی که بتول، طاهره، صدیقه، معصومه، تقیه، نقیه، رضیه، مرضیه، زکیه، رشیده و مظلومه است، زنی که حش غصب گردیده، از ارث محروم شد، پهلویش را شکستند، به شوهرش ستم روا داشتند، فرزندش را کشتند، فاطمه ی زهرایی (س) که دختر پیامبر (ص) است، پاره تن رسول الله و ژرفای دل اوست. زهرا جگر گوشه پیامبر (ص)، دختری که خود برای پیامبرت برگزیدی، هدیه ای که مخصوص وصی رسول الله (ص) گردانیدی، حبیبه ی پیامبر است، همسر امیرالمؤمنین، سرور بانوان جهان، بشارت دهنده به اولیای خداوند، نمونه تقوا و زهد و میوه ای بهشتی است (160)».

۳۳- محموده

اشاره

حَمْدًا، حَمْدًا وَ مَحْمَدًا وَ مَحْمَدًا وَ مَحْمَدًا: اثنی علیه) الشیء: وجده حمیداً حَمَدَه، حَمَدَه: شکره، الحمد: نقیض الذم.

زن پسندیده و لایق ستایش را، محموده گویند. فاطمه زهراء (س) محموده و پسندیده است، همچون پدرشان که محمود و محمد (ص) و پسندیده است.

فاطمه زهرا (س) زنی پسندیده

...«اللهم صلّ علی السیّده المفقوده الکریمه «المحموده» الشّهیده العالیه الرّشیده»...

«خداوندا!

بر سرور بانوان که (قبرش) از دیدگان پنهان شده، زنی با کرامت و پسندیده، زنی شهیده در راه خدا، زنی بلند همت و رشیده درود فرست (161)».

۳۴- مطهره

اشاره

از نظر لغت، در نام طاهره ذکر شد.

مطهره نیز مانند طاهره و طیبه، معنای پاکی و طهارت می دهد و گفته شد که صدیقه ی کبری (س)، هم دارای طهارت باطن بود و هم پاکی ظاهری داشت.

جسم فاطمه زهرا (س) پاک و پاکیزه

فقال علی (ع):

«والله لقد أخذت في أمرها غسلتها في قميصها و لم أكتشفه عنها

فوالله!

لقد كانت ميمونه طاهره «مطهره» ثم حنطتها من فضله حنوط رسول الله (ص) و كفتتها و أدرجتها في أكفانها، فلما هممت أن أعقد الرداء ناديت يا أمّ كلثوم!

يا زينب!

يا سكينه!

يا فضه!

يا حسن!

يا حسين!

هلموا تزودوا من أمكم فهذا الفراق و اللقاء في الجنة (162) «...»

«امير المؤمنين (ع) می فرماید:

خدا را شاهد می گیرم که فاطمه (س) را در میان لباسهایش غسل دادم، در حالی که بدنی پاک و پاکیزه و پر برکت داشت.

پس از غسل، با حنوطی که از پیامبر (ص) اضافه آمده بود، ایشان را حنوط (۱۶۳) نمودم و داخل کفن قرار دادم. وقتی خواستم بندهای کفن او را ببندم صدا زد:

أمّ کلثوم!

زينب!

سكينه!

فضه!

حسن و حسينم! بيايد، آخرين توشه را از پيكر پاک مادران برگريريد. اکنون زمان فراق شما با مادران است و ملاقات [مجدد] شما در بهشت خواهد بود (164) «...»



عَصَمَ، عَصَمًا الشَّيْءَ: منعه، عصم الله فلاناً من المكروه: حفظه و وقاه، خدا او را حفظ کرد و بازداشت.

العِصْمَةُ: المنع، ملكه إجتناّب المعاصی و الخطاء.

زنی را که دارای مقام عصمت از گناه باشد، معصومه گویند. فاطمه ی زهراء (س) دارای مقام عصمت بود، هم عصمت از گناه، هم عصمت از خطا و اشتباه و حتی از سهو و نسیان نیز در امان بودند.

فاطمه زهراء (س) مصون از خطا و اشتباه

«...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّيِّدَةِ الْمَفْقُودَةِ الْكَرِيمَةِ الْمَحْمُودَةِ الشَّهِيدَةِ الْعَالِيَةِ الرَّشِيدَةِ، أُمَّ الْأُمَّةِ وَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْأُمَّةِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، صَاحِبَةِ وَليِّكَ، سَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَ وَارِثَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَرِينَةِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، «المعصومه» مِنْ كُلِّ سُوءٍ، صَلَاةً طَيِّبَةً مَبَارَكَةً...»

«خداوندا!

بر سرور بانوان که (قبرش) از دیدگان پنهان شده، زنی باکرامت و پسندیده، زنی شهیده در راه خدا، زنی بلند همت و رشیده مادر پیشوایان دین، سرور زنان امت، دختر پیامبر خود (ص)، همسر ولی تو، سرور زنان، وارث پیامبر (ص)، همتای امیرالمؤمنین (ع)، زنی که از هر بدی به دور است درود فرست، درودی پاک و پر برکت...» (165).

لَهْمٌ، لَهْمًا وَ لَهْمًا الشَّيْءَ: إبتلعه بمره،

ألهم الله فلاناً خيراً: أوحى إليه به و لقنه إياه و وقفه له،

الإلهام: أن يلقى الله في نفس الإنسان أمراً يبعثه على فعل الشيء أو تركه، كأنه شيء ألقى في الرُوع.

زنی را که به او الهام شود ملهمه گویند.

فاطمه ی زهراء (س) در بسیاری از مواقع مورد الهام قرار می گرفت. الهام درجه ای خفیف از ارتباط عالم معنا با انسان است و با وحی متفاوت است.

بر فاطمه ی زهرا (س) الهام می شده است

عن موسی بن جعفر عن أبيه (ع) قال:

قال علی بن ابی طالب (ع):

«فبکی رسول الله (ص) و ضمها إليه و قال:

موفقه رشیده مهدیه «ملهمه»».

امام کاظم (ع) از پدر خود نقل فرمودند که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

پیامبر (ص) گریستند و زهرا (س) را به سینه خود چسباندند و فرمودند:

تو یک زن موفقه و رشیده هستی که از سوی خداوند مورد الهام واقع شده و از طرف او هدایت یافته ای (166)».

۳۷- ممتحنه

اشاره

مَحْنٌ، مَحْنًا فلاناً: إختبره و جرّبه، او را آگاهانید و آزمود.

إمتحن الشيء: إختبره، آن را آزمود. و منه إمتحان الطلبة،

المَحْنَه: ما يمتحن به الإنسان من بليّه،

مُمتَحَنَه: زن آزموده و امتحان شده.

مُمتَحِنَه: زن آزمایش کننده.

یکی از اسامی فاطمه زهراء (س) ممتحنه است.

ممتحنه، یعنی زنی که امتحان شده است و از امتحان سربلند بیرون آمده است.

در یک نگاه گذرا به زندگی فاطمه ی زهراء (س)، سراسر حیات او را امتحان و آزمایش می بینیم.

فاطمه ی زهراء (س) سرفراز در امتحانات

...«یا «مُمتَحِنَه» إمتحنك الله الذی خلقك، قبل أن يخلقك فوجدك لما إمتحنك صابره»...

ای خانمی که خداوند تو را قبل از خلقتت آزمایش نمود و تو را در برابر امتحانات شکبیا یافت (167)».

فاطمه ی زهرا (س) در خردسالی مادر از دست می دهد. غم و غصه پدر را نیز که با سر خاکستر آلود و پای زخمی به خانه بازمی گردد، تحمل می کند، لذا پدر، او را امّ اییها می خواند. در شب زفاف بی مادر به کابین بخت رفتن، امتحان کوچکی نیست. فاطمه ی زهرا (س) هنگام تولد فرزندانش، صحنه شهادت آنها را دید و این به راستی امتحان سختی است.

اهانت به پیغمبر خدا (ص) که در بستر احتضار است، فوت پدر، غصب فدک، سیلی خوردن، بازوی ورم کرده از تازیانه، مولای را طناب در گردن دیدن و ... نمونه هایی از سختیها و مصائب آن حضرت است، پس، با وجود این همه تحمل کردن، سزا است که ائمه اطهار (ع) در ادعیه او را ممتحنه خطاب کنند.

...«السلام علیک ایتها الممتحنه»...

«درود بر تو ای زنی که مورد آزمایش الهی قرار گرفتی و سرفراز بیرون آمدی (168)».

۳۸- منصوره

اشاره

نَصْرًا، نَصْرًا: أعانه علی دفع ضد أو ردّ عدوّ، در لغت یاری رساندن را گویند.

فاطمه ی زهرا (س) در روز قیامت تمام عاشقان خود را یاری خواهد رساند و اگر ایشان دست ما گدایان درگاهش را نگیرد چگونه از آتش رهایی خواهیم یافت؟

اسم مفعول به معنای اسم فاعل است.

فاطمه زهرا (س) میوه ی بهشتی است

عن ابی عبداللّه جعفر بن محمّد بن علی عن اَبیه عن جدّه (ع) قال:

قال رسول الله (ص):

«معاشر الناس!

تدرون لما خلقت فاطمه (س)؟

قالوا:

اللّه و رسوله أعلم.

قال (ص):

خلقت فاطمه (س) حوراء إنسيه لا إنسيه و قال:

...قالوا:

يا رسول الله!

استشكل ذلك علينا تقول:

حوراء إنسيه لا إنسيه.

قال (ص):

...إهدى إلى ربي تفاحه من الجنة أتاني بها جبرئيل (ع)...

ثم قال:

يا محمد!

كلها. قلت:

يا حبيبي!

يا جبرئيل!

هديه ربي توكل؟

قال (ع):

نعم قد أمرت بأكلها فأفلقتها (١٦٩) فرأيت منها نوراً ساطعاً ففزعت من ذلك النور.

قال (ع):

كل! فإن ذلك نور المنصوره، فاطمه (س).

قلت:

يا جبرئيل!

و من «المنصوره»؟

قال (ع):

جاریه تخرج من صلبك و إسمها فی السماء منصوره و فی الأرض فاطمه (س).

فقلت:

یا جبرئیل!

و لم سمیت فی السماء منصوره و فی الأرض فاطمه (س)؟

قال (ع):

سمیت فاطمه (س) فی الارض لأنه فطمت شیعتها من النار و فطموا أعداؤها عن حبّها و ذلك قوله الله فی کتابه و «یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله» بنصر فاطمه (س) لمحبيها.

پیامبر (ص) فرمودند:

ای اصحاب من!

آیا می دانید فاطمه (س) از چه خلق شده است؟

عرضه داشتند:

خدا و پیامبرش (ص) بر این مطلب آگاهترند.

پیامبر (ص) فرمودند:

فاطمه (س)، فرشته انسانی است که تنها انسان نیست.

(مردم از سخن پیامبر (ص) چیزی نفهمیدند) عرضه داشتند:

این مطلب برایمان مشکل شد، می فرمایید فرشته است و انسان، این چگونه ممکن است؟

پیامبر (ص) فرمود:

...جبرئیل (ع) یک سیب از بهشت برایم هدیه آورد و سپس گفت:

ای محمد (ص)!

این سیب

را میل نماید.

گفتم:

ای دوست من، این سیب هدیه خداوند است، چگونه آن را بخورم؟

گفت:

شما امر شده اید که این سیب را بخورید. پس آن را شکافتم، ناگهان نوری از آن درخشید. از آن نور در هراس شدم.

گفت:

بخور! این نور، نور فاطمه ی منصوره (س) است.

گفتم:

منصوره کیست؟!

گفت:

دختر شما خواهد بود که اسمش در آسمانها منصوره است و در زمین فاطمه.

سؤال کردم:

چرا در آسمان و زمین به او منصوره و فاطمه می گویند.

گفت:

در زمین فاطمه است، زیرا شیعیان او، از آتش جهنم گرفته شده اند و از دشمنانش حب او را گرفته اند. و در آسمان او را منصوره گویند به خاطر سخنی که خداوند در آیه

«و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله» دارد، یعنی یاری رسانیدن فاطمه زهراء (س) به یاران و دوستان خود(170)».

۳۹- موفقه

اشاره

وَفَقِّ يَفِقُ - وَفَقاً - الأَمْر: صادفه موافقاً،

وَفَقِّ الأَمْر: جعله موافقاً،

تَوْفِقٌ: نَجح مسعاه، كان مظهرأ لتوفيق الله و تسهلت له طرق الخير.

یقال:

«لَا يَتَوَقَّقُ عَبْدٌ إِلَّا بِتَوْفِيقِ اللَّهِ.»

فراهم آمدن وسایل انجام عمل مطلوب را توفیق گویند و بنابر روایتی از امام جواد (ع)، توفیق الهی یکی از صفات مؤمنین است.

توفیق الهی، یعنی خداوند تمام وسایلی که برای انجام اعمال نیک نیاز است برای انسان فراهم آورد تا با صرف کمترین فرصت، بیشترین خدمت را انجام داده و به ثواب وافری نائل گردد. این سخن در بیان علما چنین آمده است:

«التَّوْفِيقُ تَوْجِيهٌ اسْبَابِ الْخَيْرِ نَحْوِ الْمَطْلُوبِ»، موفقه به زنی گویند که خداوند بر او عنایت کرده و وسایل انجام امور نیک را برایش مهیا نموده است.

توفیقاتی که نصیب فاطمه ی زهرا (س) گشت تا توانست الگوی همه جهانیان گردد بر هیچکس پوشیده نیست.

**فاطمه ی زهرا (س) همراه با توفیقات الهی**

عن موسی بن جعفر عن أبيه (س) ... قال رسول الله (ص):

«موفقه» رشیده مهدیه ملهمه...»

پیامبر (ص) فرمودند:

تو یک زن موفقه و رشیده هستی که از سوی خداوند مورد الهام واقع شده است و از طرف او هدایت یافته ای.» (171)

**۴۰ - مهدیه**

**اشاره**

هُدَى، هُدًى و هُدًى و هُدًى و هُدًى: آرشده و هو ضد أضله،

یقال:

«هداه الطريق و هداه إلى الطريق و للطريق»، أى، بینه له و عرفه به، المهدى، الذى قد هداه الله إلى الحق.

زنی را که هدایت شده باشد، مهدیه گویند. فاطمه ی زهراء (س) مهدیه بودند، یعنی از طرف خداوند مورد هدایت قرار گرفته بودند و هر کس خداوند او را راهنمایی کند، هیچگاه گمراه نخواهد شد.

فاطمه ی زهرا (س) هدایت شده از طرف خداوند

عن موسی بن جعفر عن أبيه (ع) ... قال رسول الله (ص):

«موقفه رشیده «مهدیه» ملهمه...»

پیامبر (ص) فرمودند:

تو یک زن موفقه و رشیده هستی که از سوی خداوند مورد الهام واقع شده است و از طرف او هدایت یافته ای.»  
(172)

۴۱ - مؤمنه

اشاره

أَمَنَ، أَمْنًا: وثق به و أركن إليه،

أمن إيماناً به: صدقه و وثق به.

المؤمن: المصدق، خلاف الكافر،

الإيمان: التصديق مطلقاً، نقيض الكفر، فضيله فائقه البيعه بها نؤمن إيماناً ثابتاً بكل ما أوحاه الله.

زنی را که ایمان به خدا و عالم بعد از مرگ دارد، مؤمنه گویند. زهراء (س) به راستگویی پیامبر اکرم (ص) ایمان دارد. صفت راستگویی یکی از صفات مهم مقام نبوت است.

ایمان به راستگویی رسول الله (ص)

...«السلام عليك و على ولدك و رحمه الله و برکاته أشهد أنك أحسنت الكفاله و أدیت الأمانه و إجتهدت في مرضات الله و بالغت في حفظ رسول الله (ص)، عارفه بحقه «مؤمنه» بصدقه، معترفه بنبوته (173)»...

«درود بر تو ای فاطمه ی زهرا! (س) و درود بر فرزندان تو (ع)، رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

گواهی می دهم که سرپرستی از رسول الله (ص) را نیکو به جای آوردی حق امانت را ادا نمودی و برای رضایت خداوند و محافظت از پیامبر (ص) سعی وافری نمودی در حالی که حق او را به خوبی شناخته ایی و به راستگویی ایشان ایمان داری و به نبوتش اعتراف داری.»



## ۴۲- ناعمه

### اشاره

نَعْمَ، نَعْمَه و مَنَعَمًا الرَّجُلُ: طاب و لان و اِتَّسَعَ،

### یقال:

«هذا منزل ينعمهم»، أي، يوافقهم و يطيب لهم، زندگانی به کام او شد و زندگانی او خوش شد.

الناعمه: المترفعه الحسنه العيش و الغذاء،

ناعمه: شاداب، بهره مند، زن خوش زندگانی، خرمی و شادی که در رخسار نمایان باشد.

فاطمه ی زهرا (س) در روز قیامت با چهره شادابی همراه با عاشقان خود به طرف بهشت رهسپار خواهد شد.

فاطمه ی زهراء (س) زنی شاداب در روز قیامت

«یا فاطمه!

والذی بعثنی بالحقّ لقد حرمت الجنّه علی الخلائق حتی أدخلها و أنّک لأوّل خلق الله یدخلها بعدی کاسیه حالیه

»ناعمه»

یا فاطمه!

هنيئاً لكِ.»

«به همان خدایی که مرا برانگیخت، بهشت بر مردم حرام است تا آنکه من وارد بهشت گردم و پس از من تو اولین

کسی هستی که بر بهشت قدم می نهی.

فاطمه جان! بهشت گوارایت باد(174)».

## ۴۳- نقیه

### اشاره

نَقَا، يَنْقُو، نَقْوًا و نَقَى يَنْقِي نَقِيًا الْعَظْمَ: اِستخرج نَقِيَه، أَي، مَخَّه،

النَّقِي: النّظيف،

نَقِي، يَنْقِي، نَقَاوَه و نَقَاء و نَقَاوَه و نَقَايَه: نظف و حسن و خلص.

زن پاکدامن و عقیفه را که از گناه به دور باشد، «نقیّه» گویند. زهرای شهیده (س) پاکدامن ترین زنی است که پای بر این کره ی خاکی گذارده است.

او حتی بر نامحرم کور چهره می پوشاند و هیچ مکروهی را مرتکب نمی شد.

**فاطمه ی زهراء (س) زنی پاکدامن**

«السلام علیک أیتها التقیّه» «النقیّه»

«درود بر تو ای زن پاکدامن و باتقوا(175)»!

**۴۴ - والهه**

**اشاره**

وَلَهْ، یَلُهُ وَلَهَا:

حزن شدیداً حتی کاد یذهب عقله، تحیر من شده الوجد.

فهو: واله، آله، وَلَهَا،

فهی: واله، والهه، وَلَهِی.

والهه در لغت زن اندوهناک را گویند، فاطمه ی زهرا (س) پس از شهادت رسول الله (ص) همیشه در غم و اندوه به سر می برد تا به شهادت رسید.

**غم و اندوه کشنده قاتل فاطمه ی زهرا (س)**

قالت فاطمه زهرا (س):

«...یا ابتاه!

بقیتُ «والهه» وحیده و حیرانه فریده»...

«...پدر جان!

تنها، با غم بسیار، حیران و مضطرب مانده ام. صدایم خاموش شده، پشتم شکسته، زندگی ام نابود شده، روزگارم تیره و تار است(176)»...

اشاره

وَحَدَّ يَحِدُّ وَحَدًّا، وَحَدَّةً، وَحَدَّةً،

الْوَحِيدُ:

الْمُتَفَرِّدُ بِنَفْسِهِ.

وحیده در لغت، تنها و یگانه معنا می دهد، فاطمه ی زهرا (س) پس از شهادت پیامبر (ص) همیشه تنها و بی یاور بود.

فاطمه ی زهرا (س) تنها و یگانه

قالت فاطمه زهرا (س):

«...یا ابتاه!

بقیت والیه «وحیده» و حیرانه فریده»...

«...پدر جان!

تنها، با غم بسیار، حیران و مضطرب مانده ام. صدایم خاموش شده، پشتم شکسته، زندگی ام نابود شده، روزگارم تیره و تار است (177) «...»

القاب حضرت زهرا (س) در آئینه شعر

شعری را که در پیش رو دارید اکثر القاب حضرت فاطمه ی زهراء (س) را (چه آنچه را که در نصوص آمده و چه در بیان علمای اعلام ذکر شده است) جمع نموده است.

ألقاب بنت المصطفى كثيرة نظمت منها نبذة يسيرة

نفسی فداها و فدا ابیها و بعلها الولی مع بنیها

سیده انسیه حوراء نوریه حانیه عذراء

کریمه رحیمه شهیده عقیقه قانع رشیده

شریفه حبیبه محترمه صابره سلیمه مکرمه

صفیه عالمه علیمه معصومه مغضوبه مظلومه

ميمونه منصوره محتشمه جميله جليله معظمه  
حامله البلوى بغير شكوى حليفه العباده و التقوى  
حبيبته الله و بنت الصفوه ركن الهدى و آيه النبوه  
شفيعه العصاه ام الخبيره تفاحه الجنه و المطهره  
سيده النساء بنت المصطفى صفوه ربها و موطن الهدى  
قره عين المصطفى و بضعتة مهجه قلبه كذا بقيته  
حكيمه فهيمه عقيله محزوننه مكروبه عليه  
عابده زاهده قوامه باكيه صابره صوامه  
عطوفه رأوفه حنانه البره الشفيقه الانانه  
والده السبطين دوحه النبي نور سماوى و زوجه الوصى  
بدر تمام غره غراء روح ابيه دره بيضاء  
واسطه قلاده الوجود دره بحر الشرف و الوجود  
وليه الله و سرّ الله امينه الوحي و عين الله  
مكينه فى عالم السماء جمال الأباء شرف الابناء  
دره بحر العلم و الكمال جوهره العزه و الجلال  
قطب رحى المفاخر السنينه مجموعه الم أثر عليه  
مشكوه نور الله و الزجاجه كعبه الآمال لأهل الحاجه  
ليله قدر ليله مباركه ابنه من صلّت به الملائكه  
قرار قلب امها المعظمه عاليه المحل سرّ العظمه  
مكسوره الضلع رضى الصدّر مغصوبه الحق خفى القبر (178)

\*\*\*\*\*

## کنیه های حضرت زهرا (س)

### اشاره

کنیه، برای تعظیم و تکریم اشخاص به کار می رود.

حضرت فاطمه ی زهرا (س) کنیه های زیادی دارند، ما در اینجا بعضی از کنیه های آن حضرت را متذکر می شویم. البته رسالت این مجموعه، معرفی آن دسته از اسامی و القاب حضرت فاطمه ی زهرا (س) می باشد که

برای نامگذاری مناسب است، اما به مناسبت ذکر اسامی و القاب آن حضرت، ذکر کنیه های ایشان نه تنها خالی از لطف نخواهد بود، بلکه عین لطف است.

(1) أمّ الحسن

(2) أمّ الحسین

(3) أمّ المحسن

(4) أمّ الأئمه

(5) أمّ أبیها

(6) أمّ الخیره

(7) أمّ المؤمنین

(8) أمّ الأخیار

(9) أمّ الفضایل

(10) أمّ الأزهار

(11) أمّ العلوم

(12) أمّ الكتاب

(13) أمّ الأسماء

## اسناد کنیه های حضرت صدیقه ی طاهره (س)

قال العلامه، ابن شهر آشوب (ره):

«و کنایها: أم الحسن و أم الحسين و أم المحسن و أم الأئمه و أم أبيها (179)».

و قال المولى الأنصارى و ذكر بعضهم:

«إن من جمله کنایها: أم الخيره، أم المؤمنین و أم الاخيار و أم الفضائل و أم الأزهار و أم العلوم و أم الكتاب (180)».

و قال فى «نخبه البيان فى تفضيل سيده النسوان:»

«فمنها أم اسماء، ذكره الخوارزمى فى مقتله و لعله لتعدد أسمائها الحسنی، الحاکیه عن صفاتها العلیا و مناقبها العظمی (181)».

### أم ابیها

مهمترین کنیه ی فاطمه ی زهراء (س) «أم ابیها» می باشد. برای این کنیه معانی متفاوتی شده است.

بعضی این کنیه را صرف محبت پدر به فرزند دانسته اند و می گویند انسان هرگاه فرزند خود را زیاد دوست بدارد و بخواهد این محبت را ابراز کند، به فرزندش می گوید:

«بابا»، «مادر» و این در تکلم عموم مردم رایج است.

بنابراین، کنیه ی «أم ابیها» نوعی ابراز محبت شدید از طرف پیامبر (ص) به فاطمه ی زهرا (س) بوده است.

و شاید اینکه پیامبر (ص) به او می گوید:

«ای مادر پدر» به این علت باشد که فاطمه ی زهراء (س)، مانند مادری مهربان، برای پدر خود زحمت می کشید. خاکستر از سر و رویش پاک می کرد، جراحات او را پانسمان می کرد و کارهایی را که یک مادر در حق فرزند خود انجام می دهد، ایشان برای پدر انجام می داد.

و معنای دیگر آنکه، پیامبر (ص) مانند فرزند، با دخترش برخورد می کرد، دستش را می بوسید، همانگونه که فرزند در مقابل مادر باید چنین باشد، در برابر حضرت زهراء (س)، تمام قد برمی خاست، در هنگام سفر از او خداحافظی می کرد و هنگام بازگشت از سفر اولین دیدارش از زهرا ی مرضیه (س) بود.

این عملی است که هر فرزند مؤدب به آداب الهی آن را انجام می دهد.

برخی از محققین، از معانی «أم» کمک گرفته و وجوهی را برای معنای این کنیه ذکر نموده اند و گفته اند یکی از معانی «أم» اصل و ریشه هر چیز است.

فاطمه ی زهراء (س) ریشه ی شجره ی طیبه نبوت است و برای تقویت سخن خود به روایت ذیل نیز تمسک جسته اند.

قال الباقر (ع):

«الشجره الطیبه، رسول الله (ص) و فرعها، علی (ع) و عنصر الشجره، فاطمه (س) و ثمرتها، اولادها و أغصانها و أوراقها، شیعتها(182)».

امام باقر (ع) فرمود:

درخت پاکی و طهارت، پیامبر اکرم (ص) است، که شاخه ی آن علی (ع)، ریشه های آن فاطمه ی زهرا (س)، میوه ی آن حسن و حسین و زینب و أم کلثوم (ع)، شاخ و برگ این درخت شیعیان آنها می باشد.

قال رسول الله (ص):

«أنا شجره و فاطمه أصلها و علی لقاحها، و الحسن و الحسين ثمرها(183)».

پیامبر اکرم (ص) فرمود: من درخت پاکی و فاطمه (س) ریشه های آن و علی (ع) پیوند و ماده باروری آن و حسن و حسین (ع) میوه های این درختند.

\*\*\*\*\*

61 - بحارالانوار، ج 43، ص 10، ح 1.

از:

امالی صدوق و علل الشرایع.

62 - سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه ی زهرا (س)، ص 34.

63 - بحارالانوار، ج 43، ص 13، ح 9.

از:

علل الشرایع.

64 - فاطمه الزهراء من المهد إلى اللحد، ص 71.

از:

مقتل الحسين خوارزمی، ص 65 و مناقب ترمذی.

65 - فاطمه الزهراء من المهد إلى اللحد، ص 70.

66 - بحارالانوار، ج 8، ص 50، ح 58.

از:

علل الشرایع.

67 - بحارالانوار، ج 43، ص 65.

68 - بحارالانوار، ج 43، ص 15.

69 - بحارالانوار، ج 26، ص 326، ح 10.

از تفسیر فرات منسوب به امام عسکری (ع).

70 - فاطمه الزهراء من المهد إلى اللحد، ص 82.

71 - فضائل الزهراء ص 36.

از:

حلیه الاولیاء، ج 2، ص 41 و بحارالانوار، ج 43، ص 84.

72 - وسائل الشیعه، ج 2، ص 30، ر 2825.

73 بحارالانوار، ج ٤٣، ص ١٠٥، ح ١٩.

از:

امالی الشیخ.

74 مرآة العقول، ج ٥، ص ٣١٥.

75 قاموس قرآن، ج ١، ص ١٨٩.

76 و البرکة ثبوت الخیر الإلهی فی شیء

قال تعالی:

لفتحنا علیهم بركات من السماء و الأرض)

و سمي بذلك لثبوت الخیر فيه ثبوت الماء فی البرکة و المبارک ما فيه ذلك الخیر ... و لما كان الخیر الإلهی یصدر من حیث لا یحس و علی وجه لا یحصى و لا یحصر قیل لكل شیء ما یشاهد منه زیادة غیر محسوسه هو مبارک و فيه برکة. مفردات راغب، ماده ی برکة.

77 بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٢٢ ح ١٤.

از:

امالی صدوق.

78 بحارالانوار،

ج ٤٣، ص ١٩ بحارالانوار، ج ٤٣، ص ١٩، ته است و ٢٠.

79 فاطمه الزهراء من المهد إلى اللحد، ص ١٠٠.

از:

تاریخ بغداد، ج ١٠.

80 بحارالانوار، ج ٤٣، ص ١٥٣، ح ١٢.

از:

امالی الشیخ طوسی

81 فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ص ١٥٨.

از:

اخبار الدول، ص ٨٧.

علی ما فی احقاق الحق، ج ١٠، ص ٢٤.

82 بحارالانوار، ج ٣٥، ص ٤٥.

83 بحارالانوار، ج ١٠٠ ص ١٩٩، ح ٢٠.

از:

الاقبال، ص ١٠٠.

84 فاطمه زهراء (س) بهجه قلب المصطفی، ج ١، ص ١٨٩.

از:

الدر المثنوی، ج ٨، ص ٥٤٣.

85 بحارالانوار، ج ٢٥، ص ٢٥٤، ح ١٥.

از:

علل الشرایع.

86 بحارالانوار، ج ١٤، ص ٢٠٦، ح ٢٣.

از:

علل الشرایع.

87 بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٧٩، ح ٦٦.

از:

علل الشرایع.

88 بحارالانوار، ج ٢٦، ص ٤٤، ح ٧٧.

از:

بصائر الدرجات ص ٤٣.

89 بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٧٩، ح ٦٦.

از:

علل الشرایع.

90 سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه ی زهرا (س)، ص ٣٢.

91 بحارالانوار، ج ٤٣، ص ١٢، ح ٥.

از:

علل الشرایع.

92 بحارالانوار، ج ٤٣ ص ١٢ ح ٦.

از علل الشرایع و معانی الاخبار

93 بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٥٦، ح ٤٩.



از:

فضائل شهر رمضان صدوق.

94 فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۱۸۰.

از:

احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۱۶.

95 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵، ح ۱۴.

از:

مناقب ابن شهر آشوب.

96 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱، ح ۲.

از:

علل الشرایع.

97 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵، ح ۵.

98 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷، ح ۸.

از:

کشف الغمه.

99 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵، ح ۱۳.

از:

علل الشرایع و معانی الاخبار.

100 - فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۱۵۸.

از:

احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۵.

101 - بحار الانوار، ج

100، ص ۱۹۷، ح ۱۵.

از:

مصباح الزائر.

102 - بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰.

از:

الاقبال ص ۱۰۰.

103 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۷، ح ۳۶.

از:

الدلائل للطبری

104 - بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۴۵، ح ۱.

105 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷، ح ۲۹.

از:

کتاب سلیم بن قیس الهمالی.

106 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵، ح ۵.

از:

علل الشرایع.

107 - فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۱۵۸.

از:

ذخائر العقبی، ص ۲۶.

108 - فاطمه زهراء بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۱۸۲.

از:

الصواعق، ص ۹۶.

اسعاف الراغبین ص ۱۷۲.

نقل از:

سنائی.

109 - عزّ: ارجمند شد، ناگوار است برای ... قوی شد، ضعیف شد.

110 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۹.

111 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷ و ۸.

از:

کشف الغمه.

112 - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱، ح ۳.

از:

علل الشرايع.

- 113 عزل: يك سوى ساختن و جدا نمودن را گویند.

- 114 مصباح الفقيه، ج ۱ ص ۳۹۷.

- 115 مجمع البيان، أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، ج ۱۰ ص ۶۴۴.

- 116 بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰.

از:

الاقبال، ص ۱۰۰.

- 117 بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۴۵، را همچنين، ج ۳۳، ص ۲۸۳، ر ۵۴۷.

از:

بشاره المصطفى.

- 118 قال علی (ع):

«نشدتکم بالله!

هل فيکم أحد زوجته سيده نساء العالمين غيري؟

قالوا: لا.»

فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفى، ج ۱، ص ۱۱۹.

از:

الاحتجاج، ص ۱۹۵.

- 119 قال علی (ع) في مناشده طويله مع ابي بكر:

«فأنشدك بالله! أنا الذي إختارني رسول الله \* و زوجني إبنته فاطمه (س)» و قال:

«الله زوجك إياها في السماء أم أنت؟

قال:

بل أنت.»

فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفى، ج ۱، ص ۱۱۹.

از:

الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷۱.

- 120 سخنان حسين بن علی (ع)، ص ۳۱۶.

- 121 زندگانی علی بن الحسين (ع)، سيد جعفر شهیدی، ص

121، چاپ سوم، ۱۳۶۷.

- 122 المنجد.

- 123 روی بر گردانیدن، قتل وجهه عنهم:

از ایشان روی بر گردانید.

- 124 ستاره ی نزدیک قطب شمال را فرقد می گویند که تعداد آنها نیز دو تا می باشد.

- 125 بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۵، ح ۱۱.

از:

امالی طوسی.

- 126 فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفى، ص ۱۸۲.

به نقل از:

نزه المجالس، ج ۲، ص ۲۲۲.

- 127 فاطمه الزهراء (س) بهجه قلب المصطفى، ج ۱، ص ۱۸۳.

به نقل از:

ذخائر العقبی، ص ۴۵.

نزه المجالس، ج ۲، ص ۲۲۷، ۱۷۲.

- 128 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶، ح ۲۵.

از:

معانی الاخبار.

- 129 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳، ح ۱۹.

از:

امالی شیخ.

- 130 کاتره مکاتره:

چیرگی نمود و در بسیاری مال نبرد کرد.

- 131 عضاده الشی: جانب و طرف یک شی.

- 132 بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷، ح ۲۹.

از:

کتاب سلیم بن قیس الهمالی.

- 133 اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۲.
- 134 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴، ح ۱۱.
- از:
- التهذیب، ج ۶ ص ۹.
- 135 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۸، ح ۱۶.
- از:
- مصباح الزائر، ص ۲۵.
- 136 ص ۸۶ همین کتاب
- 137 بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۰، ح ۳۶.
- 138 ص ۸۶ همین کتاب
- 139 بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۰، ح ۳۶.
- 140 بحارالانوار: ج ۱۰۱، ص ۲۶۳، ح ۴۲.
- 141 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۸، ح ۱۷.
- از:
- مصباح الزائر، ص ۲۸ و المزار الكبير ص ۲۳.
- 142 بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۰.
- 143 السماوه، بلده فی العراق. (شهری در عراق) المنجد.
- 144 تدمر: شهری است در اطراف دمشق سوریه.
- 145 نقل از مجلسی قدس سره ذیل روایت می گوید:
- لا یبعد کونه کاظم (ع) ذهب لإتمام الحجّه علیهم.
- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۸۱ و ۱۸۲، ح ۲۵.
- از:
- منتخب الأثر،
- ص ۵۵.
- 146 بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۸۴ - ۳۷۶.
- از:
- مهج الدعوات ص ۱۱۵ - ۱۱۳.
- 147 بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۳۹، ح ۱۴۴.
- از:
- کنز جامع الفوائد و تأویل الایات الظاهره معاً.
- 148 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰.
- 149 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰.
- از:
- الاقبال، ص ۱۰۰.
- 150 بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶ - ۱۷۴، ح ۱۵.
- 151 بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۰، ح ۱
- از:
- عتیق غروی.
- 152 مجمع البیان فی تفسیر القرآن، أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ، ج ۱۰، ص ۷۰۳.
- 153 قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ هفتم ۱۳۶۱، ج ۶ ص ۹۳.
- 154 تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۸ و ۳۶۹.
- 155 نفس زکیه لقبی است برای «محمد بن عبدالله» فرزند «امام حسن مجتبی» که به دست «منصور دوانقی» در سال ۱۴۵ هجری به شهادت رسید.
- 156 تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۶ - ۳۷۵.
- به نقل از:
- تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴.
- 157 إن کثره ذریته هی المراده وحدها بالکثر الذی أعطیه النبی أو المراد بها الخیر الكثير و کثره الذریه مراده فی ضمن الخیر الكثير و لو لا ذلك لکان تحقیق الکلام بقوله: «إن شانتک هو الأثر» خالیاً عن الفائدة. میزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۳۹۴ هـ، ج ۲۰، ص ۳۷۰.
- 158 اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۵.
- 159 فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ج ۲، ص ۵۹۵.
- 160 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰.
- از:
- الاقبال، ص ۱۰۰.
- 161 بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۰، ح ۱.
- از:

عتیق غروی.

162 بحارالانوار، ج ۴۳، ص

179، ح ۱۵.

163 مسأله ۵۸۵ رساله عملیه امام خمینی قدس سره «بعد از غسل واجب است میت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دستها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند. و مستحب است به سر بینی میت هم کافور بمالند و باید کافور ساییده و تازه باشد و اگر به واسطه ی کهنه بودن، عطر او از بین رفته باشد کافی نیست».

164 بحارالانوار، ج ۲۲ ص ۳۴۷ و ۶۳.

165 بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۰، ح ۱.

از:

عتیق غروی.

166 بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۲، ح ۳۷ همچنین، ج ۸۱ ص ۳۲۴، ح ۱۸.

167 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴، ح ۱۱.

از:

التهدیب، ج ۶ ص ۹.

168 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۸، ح ۱۶.

از:

مصباح الزائر، ص ۲۵.

169 شکافتن و جدا نمودن.

170 بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸، ح ۱۷.

از:

تفسیر فرات.

171 بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۲، ح ۳۷ همچنین، ج ۸۱ ص ۳۲۴، ح ۱۸.

172 بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۲، ح ۳۷ همچنین، ج ۸۱ ص ۳۲۴، ح ۱۸.

173 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۸، ح ۱۷.

از:

مصباح الزائر، ص ۲۸ و المزار الكبير ص ۲۳.

174 بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۰، ح ۳۶.

175 بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰.

از:

الاقبال، ص ۱۰۰.

176 بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶ - ۱۷۴، ح ۱۵.

177 بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶ - ۱۷۴، ح ۱۵، ر ک: به لقب فریده.

178 جنبه العاصمه، مرحوم علامه میرجهانی، ص ۶۸ - ۶۶.

179 فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۲۰۳.

از:

«المناقب»، ج ۳، ص ۳۵۷.

180 فاطمه الزهراء بهجه

قلب المصطفی، ج ۱، ص ۲۰۳ از «اللمعه البيضاء»، ص ۵۰.

181 فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۲۰۳ از «نخبه البیان فی تفضیل سیده النسوان»، ص ۸۶.

182 فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۲۰۵ از «مجمع البحرين» ماده شجر.

183 فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ج ۱، ص ۲۰۵ از «میزان الاعتدال»، ج ۱، ص ۲۳۴ علی ما فی «احقاق الحق»، ج ۹، ص ۱۵۲.